



وظایف تاکتیکی

چریکهای فدایی خلق ایران
(ارتش رهاییبخش خلق های ایران)

پنجاه طره

چون يك فداكس خلق

رفيق شهيد كاروس تور بوان كوهي

تقدیم میشود

با ایمان همه پیروزی راهمان

چونكهای فداكس خلق ایران

(ارزشها فیض خلقهای ایران)

تهران ۱۳۶۳

« امروز بیم آن میرود که پی علی مارکسیست - لنینیستها
رهبری مبارزه ضد امپریالیستی خلق را بدست خورده
برونزازی بسپارد . جنبش کمونیستی اگر قرار است رهبری
مبارزه ضد امپریالیستی خلق را بعهده بگیرد ، اگر
قرار است به پشاهانک واقعی تودمها مهمل گردد ،
باید خطر کند ، باید در نظر و عمل يك پاسخ
مشخص به مسئله تعویض قدرت حاکم امپریالیستی
و واگذاری قدرت به استثمار شده گان بدهد . اگر
پشاهانکی مارکسیست - لنینیستها در این مبارزه مسلحانه
طولانی نتواند رهبری پرولتری انقلابی را در این
مبارزه تضمین کند ، هیچ چیز دیگر هم نمیتواند .
(م . م . ه . ا . ه . ت)

فهرست :

زندگی‌نامه

توضیح "بخش اول"

فصل اول

ماهیت رژیم جمهوری اسلامی

فصل دوم

طبقه کارگر

۱- وضعیت طبقه کارگر

۲- طرح برخی از مسائل ...

۳- نتایجی چند

فصل سوم

۱- روابط ارضی دهقانان

الف- خرده مالکی

ب- تولید سرمایه داری

ج- ارباب و دهقان

۲- مسئله ارضی

۳- پانزده دهقانان

فصل چهارم:

— خورده پیروازی شهری

“بخش دوم”

فصل اول :

— اوضاع کنونی جنبش کمونیستی

فصل دوم :

— استراتژی و تاکتیک انقلاب ایران

فصل سوم

— وظایف اساسی تاکتیکی

x

x

x

توضیحات:

شرح مختصری از زندگی و مبارزه

چریک فدائی خلق رفیق شهید کاووس تورسواد کوهی (رفیق مهدی در نیمه شب هشتم اسفند ماه ۱۳۶۰ ، رفیق کاووس تورسواد کوهی در جریان تسخیر مقر سپاه پاسداران شهر شیرگاه مازندران هفت گلوله های مزدوران امپریالسم قرار گرفت و پس از پایان موفقیت آمیز عملیات که منجر به تسخیر مقر مزدوران شد ، به مناطق امن جنگلی منتقل گردید .

رفیق کاووس بعثت دیر رسیدن تیم امداد ، پس از ساعتها مبارزه برای زنده ماندن و همکاری با امپریالسم ، در شامگاه روز بعد ، همچون خورشید واپسین که در دوردستها در سینه کهن دریا فرو میرود ، در خون نشست و با آخرین شعله های عشق به توده های زحمتکش که از چشمانش زبانه کشید ، طلوع فردا را نوید داد .

او در زمره آن کمونیستهای صادقی بود که با برافراشتن پرچم مبارزه مسلحانه بر علیه امپریالسم و سگهای زنجیرش ، به فووتبای زمان

پاسخ مناسب داده و به برپائی و گسترش جنگ انقلابی پرداختند .
 رفیق کاروس در سال ۱۳۳۲ در قصبه ورسک ، از توابع سواد کوه
 مازندران چشم به جهان گشود . تحصیلات ابتدائی خود را در همان
 جا به پایان رسانیده و دوره متوسطه را در شهرهای قاشهر و ساری
 طی کرد و سپس به مدرسه عالی بازرگانی تهران (دانشکده معدی
 رضائی) وارد شد . در همین جا بود که با فعالیت در پرزنامه
 کوهنوردی دانشکده زندگی سیاسی خود را آغاز نمود و در کسوره -
 راههای پرفراز و نشیب کوهستانها ، در روزهای دیره ها و اوج قله ها -
 بود که راه سخت و طولانی انقلاب رها بیخشمین خود را باز شناخت
 و با گامهای استوار و جانی شفته پذیرای به پیش رفتن شد ، و در تداوم
 این راه بود که بیک دسته مواد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
 راه یافت .

رفیق کاروس در جهان قیام بهمن ماه در مبارزات ضد امپریالیستی
 خلق فعالانه و لهریز از عشق به خلق و ملامت از کینه ای مقدس به
 امپریالیسم شرکت نمود . پس از قیام در ستاد " سازمان چریکهای فدائی
 خلق " در شهر ساری به فعالیت پرداخت و در همین رابطه نخستین
 نمایشگاه عکس شهدای سازمان را در ورسک تشکیل داد .

او که با اعتقاد به آرمانهای سرخ طبقه کارگر و تجوری مبارزه -
 مسلحانه به سازمان چریکها روی آورده و صادقانه هستی خویش را وقف
 انقلاب رها تپبخش خلقهای ایران و تداوم آن تا نعل به سوسالیم و
 کمونیسم کرده بود ، بیاری آگاهی و پیشبرد لتری خود چهره واقعی
 نمایندگان سیاسی طبقات دیگر را در پشت ماسک ظاهر فریب سازمان
 بوضوح تشخیص داد و بدین جهت بدین لحظه ای تردید بدفع
 از تئوری مبارزه مسلحانه پرداخته و با اپورتونیسم حاکم بر سازمان
 قاطعانه منزه می نموده و برای تداوم بخشیدن بحیات مبارزه انقلابی
 به فونی چریکهای فدائی خلق پیوست و با پیگیری بانجام وظایف
 تشکیلاتی پرداخت . در تداوم فعالیت خود بود که بهراره رفیق شهید
 "شاهین" و تحت مسئولیت رفیق کبیر شهید عبدالرحیم صوری جنبش
 دانشجویی و دانش آمیزی ۱۹ بهمن را پی افکند و با احراز مسئولیت
 کوهنوردی و انتشارات و بخش نشریات فعالیت خویش وسعت بیشتری بخشید .
 در ادامه فعالیت خود بود که در سال ۵۹ برای گذراندن دوره -
 سیاسی - نظامی به کردستان اعزام گردید ، و در پایگاه رفیق علی اکبر
 صفائی فراهانی به کسب تجربه پرداخت ، او در اینجا نیز ضمن
 شرکت فعال در کارهای جمعی ، با پیگیری و خستگی ناپذیری به
 جذب تجارب جنگ انقلابی پرداخت ، او میآموخت ، تا آنرا در عمل
 آگاهانه خویش بکار ببندد ، او میآموخت تا با توان مرجه بیشتر در

تغییر انقلابی نظام موجود و آموزش نظامی نوین شرکت نماید . پس از پایان موفقیت آمیز دوره آموزشی تهران بازگشت و در همین ایام بود که به خاطر برخورداری از سرشتی انقلابی ، به عضویت سازمان درآمد و با احراز مسئولیت رفقای هوادار شهرهای آمل و قائمشهر عازم شمال گردید .

رفیق کاروس نیز پس از مدتی فعالیت سازمانی ، مانند بسیاری از رفقا با انحرافات تشکیلات در زمینه عدول از شی انقلابی و دچار شدن به دنیا لسه روی از جنبش خود بخودی و غرق شدن در خرده کاری های برده و با جدیت و پیگیری بنقد انحرافات پرداخت و در جریان طرد اپورتونسم و تصفیه سازمانی سال ۶۰ قاطعانه از مانی تئوری مبارزه مسلحانه دفاع نمود .

او که مدتی پیش در جهت پیاده نمودن مصوبات کنگره به منظور برپائی و گسترش جنگ انقلابی ، در شناسائی مناطق جنگی شمال شرکت فعالی داشت ، پس از طرد اپورتونسم از پیگر سازمان از نخستین رفقای بود که در تاریخ دوم شهریور ماه سال ۶۰ تحت فرماندهی رفیق کبیر شهید محمد حریفی پور عازم جنگلهای شمال گردیدند .

رفیق کاروس پس از شرکت در عملیات موفقیت آمیز جاده هراز بود که حین انجام يك مأموریت ارتباطی با رفقای شهر ، به گشتبای دشمن مواجه شد و پس از درگیری و اتمام ماشین گشتی دشمن با جنگ و گیر به همراه رفیق همواه خود از منطقه دور شد ، که

این امر باعث قطع ارتباط او با ستون چرکی جنگل گردید . او پس از برقرار نمودن ارتباط با تشکیلات شهر به همراه تیمی عازم جنگل شده که پس از یکماه تلاش مراجعت مجدد به شهر مجدد او به ستون چرکی پیوست ؟

رفیق کاویس پس از ۶ ماه مبارزه در شرایط سخت سرانجام در عملیات تخریب مقر سپاه پاسداران شهر شیرگاه از ناحیه شکم مسرود . اصابت گلوله قرار گرفت و ۱۶ ساعت بعد ، در حالیکه سرود سرخ رهایی را بر لب داشت ، در غروب زودرس جنگل - آنگاه که بلندترین شاخه ها تن به واپسین انوار آفتاب می سائیدند - به شهادت رسید . رقتا پس از به خاک سپردن او ، سلاحش را بدوش نهاد و به راهش ادامه دادند ، در حالیکه هنوز طنین صدای کاویس در گوش همگی می پیچید که : " رقتا ، مرا با یک نارنجک بگذازید و گروه را به خاطر من بخطر نیاندازید . "

یادش جاودان ، راهش پر رهرو باد ؟

با ایمان به پیروزی راضیان

جبهه های فدایی خلق ایران

(ارتش رهایی بخش خلق های ایران)

توضیح

غلط

بدنبال بیان ایدولوژی که بر علیه برداشتهای از تئوری -
بیانیه مسلحانه و اشتباهات و انحرافات تاکتیکی و تشکیلاتی سازمان
پا گرفته و، منجر به تصفیه سازمانی سال ۶۰ گردید ، رفیق کیمر
عبدالرحیم صبری که خود از رهبران این بیانیه بود ، به تدوین
مقاله ای پرداخت که ضمن جمع بندی مباحث درونی سازمان بطور قس
مشیت باطرح برگشته مسائلی اساسی بطور کلی وظایف چپکهای فدائی
خلقی را روشن مینماید .

نوشته مذکور بعد از تصفیه سال ۶۰ با حک و اصلاح نهائی
که از سوی رفیق صبری انجام گرفت ، در اختیار رقتای سازمان قرار
ناده شد که پس از بحث و بررسی بعنوان نقطه نظرات سازمانی به
جهش ارائه گردد . اما متأسفانه بر اثر ضیاع سال ۶۰ و ۶۱ که
منجر به شهادت رقتای ارزنده ای از جمله رفیق صبری گردید و سپس
بدنبال رشد جریان انحلال طلبی ، برخورد با مقاله مذکور به تأخیر
افتاد .

ما اینک ضمن حفظ جارجوب . . . اساسی مقاله و بررسی
 مطالب آن بهمانگونه که بود ، بعضی از قسمتها ی آنرا (از این
 لحاظ که برای يك بحث درونی تهیه شده بود) تغییر داده و از نو
 بازسازی نمودیم و با حك و اصلاح برخی قسمتهای دیگر ، و نیز با
 افزودن مطالبی ، آنرا بشکل کنونی اش تنظیم نموده و بعنوان نقطه
 نظرات سازمان انتشار میدهیم .

با ایمان به پیروزی و امان

جیکهای فدائی خلق ایران

(ارتش رها یبخش خلقهای ایران)

تیرماه ۱۳۶۲

بخش اول

فصل اول

“ماهیت رژیم جمهوری اسلامی”

امیرالیهتها خود آشکارا میگویند “ما دارای دوستان و دشمنان
همیشگی نیستیم ، بلکه این منافع ماست که باید دار و همیشگی است” .
از همین روزمانی که آنها فهمیدند دیگر رژیم سرسپرده شاه نمیتواند
حافظ منافع آنها در ایران باشد ، و از سلطه آنها پاسداری نکند
با توجه به بحران اقتصادی جهان سرمایه داری و شرایط جدید
مبارزه طبقاتی جامعه ما ، که وجه مشخصه آن ارجحی جبهه
ضد امپریالیستی خلقهای میهن ما و تشدید ^{مخالفات} ما بین امپری-
الیتهها بر سر مرزبونی بر این منطقه بود ، رژیم مزدور شاه را به
کناری نهاده و رژیم مزدور جمهوری اسلامی را جایگزین آن نمودند .
بنابراین تعریف رژیم شاه با رژیم جمهوری اسلامی ، نه به معنی
انتقال قدرت دولتی از دست یک طبقه ارتجاعی و ضد خلقی به

طبقه ای انقلابی و با طبقه ای که در صف خلق قرار داشت ، بلکه دقیقاً
 به معنی تغییر سازماندهی و تاکتیک امپریالیستها جهت مقابله با
 جنبش اعلا ، یا بنده خلق ما ، تناسب قوای امپریالیستی و کوشش آنها
 برای حفظ سلطه خود در ایران باید درك شود .

امروز دیگر فاکت‌های متعدد و قاطعی وجود دارند که وابستگی
 رژیم جمهوری اسلامی به امپریالیستها را ثابت میکنند . خصائص
 پروسه مبارزه طبقاتی در جامعه ، سرکوب شدید مبارزات حق طلبانه همه
 طبقات و اقشار ضد امپریالیست توسط رژیم ، برجائی ساختن اقتصاد
 گذشته و استثمار و چپاول امپریالیستی ، کوشش رژیم برای ایجاد شرایط
 مطلوب جهت عملکرد منظم نظام اقتصادی کنونی ، جنگ امپریالیستی
 دو دولت ضد خلقی ایران و عراق و تهدید آن ، محکمه گروگانگیری
 و نتایج آن ، سیاست خارجی ارتجاعی رژیم در منطقه ، حفظ و
 تحکیم ارتش ضد خلقی شاه با همان امیران و افسران دست پرورده اربابان
 آمریکائی و گسترش ارگانهای سرکوب از قبیل سپاه پاسداران ، کمیته‌ها ،
 بسیج ، ساواجا و و عملکردهای مشخص اجتماعی آنان و
 همه و همه نشانه های بارزی از این حقیقت اند که رژیم جمهوری
 اسلامی از همان بدو پیدایش خود وابسته با امپریالیستها بوده و بر جهت
 بهشبرد سیاستهای آنان کار میکرده است .

امپریالیستها به پشتوانه تجربیات ضد انقلابی و بیاری تئور -

مستنداتی خود این حقیقت را تسدید داد که وقوع انقلاب در کشورهای

تحت سلطه آنان امری اجتناب ناپذیر است و خلقهای جهان برای کسب آزادی و استقلال خود بهارزه برخوانند خواست • بر اساس همین حقیقت آنان در صدد برآمدند تا با اتخاذ یکرشته تدابیر جدید و بهر جهشهای مردمی اثر گذاشته و آنها را در یکالوسم انقلابی تپس سازند و در جهت منافع خود سوق دهند : در پرتو همین پراشت و یکرشته ملاحظات مشخص دیگر راجع به سیاستهای جهاناس و وضعیت مشخص ایران بود که امپریالیستها در شرایطی که خلق ما از تجربه وسیع انقلابی برخوردار نبود و از داشتن یک سازمان انقلابی و پیشرو نیز محروم بود ، از خمینی و برخی از اعران و انصارش سود جست و او را به صورت یک "قهرمان ملی" در راس جهش خلق ما قرار دادند •

اینکه در ابتدا بخشی از توده ما (۱) رژیم کنونی را حمایت میکردند نشاندهنده این نیست که رژیم مزبور نماینده واقعی توده های متعدده بود ، بلکه بیان کننده این واقعیت است که امپریالیستها منطق بر شرایط و بهر جوئی از همه امکانات ضد انقلابی ، سیاست های خود را طرحریزی میکنند • آنها با استفاده از شبکه وسیع سازمان مذهب در ایران ، کنترل جنبش مردم را در دست گرفته و یکک روحانیون مرتجع شکل سلطه سیاسی و فرهنگی خود را تخییر دادند ، و بدین ترتیب توانن آشکار ارتجاعی را بر جامعه تحمیل نموده و صاف و صریح ابتدائی ترس حقوق اجتماعی توده های انقلابی را از آنان سلب نموده و بالاخره بیاری رژیم وابسته جمهوری اسلامی توانستند ارگانهای

سرکوب خود را گسترش دهند .

ما از همان ابتدا شاهد کوششهای وسیع دشمن برای تسلط و گسترش نفوذ مادی و معنوی ارگانهای سرکوب بودیم . رژیم کنونی ضمن بازسازی ارتش ، پلیس و ژاندارمری ، دست به ایجاد ارگانهای همچون سپاه پاسداران و کمیته ها و بسیج زد که هر یک از آنها دارای عملکردهای مشخصی است ، و در عین حال یکدیگر را یاری میرسانند . ساواک مخفی شاه این بار بنام ساوا (ساواجا) ، و نه زدر شکل علنی خود را بصورت سپاه پاسداران و بسیجی ها نشان میدهد ، که جنایتهای ساواک در مقابل اعمال جنایتکارانه ایمن هیچ است . در هر حال رژیم کنونی تمام کوششش خود را برای سازمان دادن و استقرار ارگانهای سرکوب در شهر ها و روستاها بکار بسته است . علاوه بر ایجاد سازمانهای رسمی ، سعی میکند با استفاده از عدم آگاهی اجتماعی نوجوانان و همچنین برخی از عناصر و دسته های عقب مانده سیاسی جامعه ، یک شبکه وسیع اطلاعاتی ضد خلقی بوجود آورد . در ظرف مدتی که از عمر رژیم کنونی میگذرد ، جمهوری اسلامی یکدم از سرکوب و حشوانه جنشهای مردم غفلت نکرده است .

آنها مقابل خواسته های برحق خلقها ، سرسختانه به تعرض و حشوانه ای دست باز نهاده است . بر اساس همین حقایق است که بنظر من تصور رژیم جمهوری اسلامی با رژیم شاه ، نباید به معنی عقب نشینی تاکتیکی امپریالیزم درك شود ، بلکه دقیقاً باید به معنی تعرض هر چه

گسترده تر امپریالیستها فهمیده شود . مدتهاست که دیگر ماهیت تاکتیک تعرضی امپریالیستها بیش از پیش آشکار گردیده است . در حقیقت رژیم جمهوری اسلامی دوره ای از سرکوب را آغاز کرده که هدف آن نابودی و امحاء کامل هرگونه مبارزات توده ای و نیروها و سازمانهای انقلابی است که در این میان از هیچگونه اقدامی فروگذار نکرده است . با این وجود تا کنون رژیم علاوه بر نتوانسته بطور کامل با اهداف ضد انقلابی خود دست یابد . ولی نتیجه آن ، محدود تر شدن دامنه جنبش ، تلاشی و یا تضعیف برخی از سازمانها و محدود تر شدن دامنه عملکرد آنها بوده است . ضمن اینکه توده ها را بطور اجتناب ناپذیری رادیکالیزه نموده است .

روند حوادث اجتماعی ، عملکردهای دولت و برپا شدن سیاستهای ضد خلقی آن ، توهانات بخشهای وسیعی از هواداران رژیم را در هم شکست . تا آنجا که امروزه ، تنفر اکثریت بسیار بزرگ جامعه را بر علیه خود برانگیخته است . رژیم جمهوری اسلامی ، اکنون از حمایت بخش بسیار محدودی از جامعه برخوردار است ، و این امر همیشه برای هر رژیمی امکان دارد که بخشی از توده های عقب مانده را با خود داشته باشد . تنها در جریان تعمیق مبارزه انقلابی است که در این بخش نیز شکاف افتاده و کثیری از آنان از رژیم جدا شده و به صف انقلاب می پیوندند . بنا بر آنچه که گفته شد (و در گذشته نیز همواره بر این امر تاکید داشتیم) و مطالعات تفصیلی واقعیت عینی مبارزه طبقاتی و عملکردهای

مختلف و مشخص رژیم جمهوری اسلامی ، در این حقیقت تردیدی باقی
 نمیگذارد که سلطه امپریالیستی همچنان با پرجاست ، و بنا بر این امرها -
 لیستها و در رأس آنها ، امپریالیسم آمریکا عمده ترین و اصلترین دشمنان
 انقلاب ایران محسوب میگردد .

علاوه بر منافعی که امپریالیستها از استثمار خلق ما دارند ،
 ایران بواسطه یکرشته عوامان دیگر از اهمیت بسیار زیادی برای آنها
 برخوردار است از جمله بخش قابل ملاحظه ای از نفت مورد نیاز امپریالیست
 های اروپا و آمریکا . و نیز امپریالیسم ژاپن از منطقه خلیج فارس تامین می
 گردد ، که بخش اعظم آن از تنگه هرمز میگردد که تحت کنترل ایران
 قرار دارد . همچنین مرز مشترک و طولانی ایران و شوروی ، با عطف
 توجه بر قاطبهای آمریکا و شوروی در این منطقه ، و علاوه بر موارد فوق ،
 امکانات بالقوه يك ایران انقلابی در اثر گذاری بر روی کل منطقه ، از
 جمله عواملی هستند که اهمیت مسئله ایران را فزونی می بخشند .
 به همین جهت مسئله ماهیت قدرت دولتی در ایران از اهمیت حیاتی
 برای آنها برخوردار است . در نتیجه امپریالیستها ، و در رأس آنها
 امپریالیسم آمریکا که امپریالیست متفوق در ایران است ، در مقابل عزم
 و اراده انقلابی خلق ما جهت رهایی خود از یوغ امپریالیسم ، مقاومتی
 سرخشانده خواهد نمود .

امپریالیستها بکلی ریحانمین و مذہبین مرتجع و دیگر مزدوران ایرانی
 خود ، سلطه خود را در ایران حفظ کرده اند امروزه بخش بزرگی

از روحانوں وارد دستگاه دولتی شده اند و موقعیت آنها در مائین دولتی بآنها این امکان را میدهد که سرعاً وضعیت اقتصادی خود را دگرگون سازند . منابع مالی بسیاری در نزد آنها متمرکز شده است . رشوه خواری و استفاده از موقعیت اجتماعی و وضعیت اقتصادی آنها را دگرگون میسازد و بسیاری از آنان سرعت در برپوزاری وابسته مستحیل گشته و بشرط تداوم وضع موجود عده بیشتری از آنها موقعیت اقتصادی برپوزاری وابسته را کسب میکنند . از این روحف و تداوم سلطه سیاست امیرالهم در شکل کنونی اش ، منفع ایندسته از روحانوں و مذهبر مرتجع است . بهمین دلیل آنها در مقابل طبقات انقلابی مقاومت کرده و از بسط و دامنه یافتن مبارزات ضد امیرالهیست خلق فراسانند و بر علیه آن عمل خواهند کرد .

از نیروهای دیگر که بر علیه انقلاب ایران عمل میکنند ، آن بخش از برپوزاری وابسته است که از او خلع ید شده و امروز دیگر قرار ی است . اینها که از خاندان سلطنتی و برخی از اسرای ارتش و پروکراتهای کله گنده تشکیل میشوند ، با تمام نیروهای خود در — مقابل انقلاب خلق ما ایستادگی خواهند کرد . اینان در حال تشکیل گروههای مزدوری هستند ، و گروههایی نیز ایجاد کرده اند . البته باید این حقیقت را در نظر داشت ، که علیرغم مخالفت واقعی اینان با رژیم جمهوری اسلامی ، خود برای اقدام مستقیم هیچگونه اختیاری ندارند . اینها نیز جزو سگهای زنجیری امیرالهم هستند .

اینکه چرا امپریالیستها، باینها نیز کمک میکنند و اینها را تقویت مینمایند، باید در پرتو مبارزات خلق ما و در تضادهای مابین گروههای مالی امپریالیستی و روشهای سیاسی امپریالیستها بررسی شود.

امپریالیستها همواره کوشش میکنند تا با آمادگی قبلی بتوانند از امکانات متعدد در فرصتهای گوناگون سود بجویند تا در صورتیکه حکومت اکثریتی نتوانست از عهده دفاع از منافع آنها برآید، بتوانند بلافاصله اکثریت مطلق را خواه خود را جانشین آن سازند و کشتل جنبش را در دست بگیرند.

از دیگر نیروهایی که در مقابل انقلاب خلق ما قرار دارند، میتوان از برخی از فئودالها و خانهای بزرگی نام برد که در برخی از مناطق که هنوز بقایای فئودالیزم و روابط قبیله ای و عشیره ای وجود دارد، با کمک امپریالیستها و مزدوران آنها، دست بایجاد نیروهای محلی زده اند.

در هر حال، همه این نیروهای مسلح را باید جزو نیروهای مسلح ضد انقلاب بحساب آورد، که هسته اصلی آنها ارتش امپریالیستی تشکیل میدهد. البته باید توجه داشت که این اشکال سازماندهی و آرایش و صف بندی نیروهای امپریالیستی، در خطوط کلی خود اشکال جدیدی نیستند، که تنها در کشور ما بوجود آمده باشند، بلکه در تاریخ مبارزات انقلابی خلقهای قهرمان کشورهای دیگر نیز میتوان نمونه های آنها مشاهده کرد. بنابراین، خلق ما برای قطع سلطه

امیرالیم باید نیروهای مسلح ضد انقلاب را ، که هسته اصلی آنها -
ارتش امیرالیمستی تشکیل بدهد ، در هم بشکند .

فصل دوم

« طبقه کارگر »

طبقه کارگر ایران ، به علت شرایط مادی زیست خود و با اتکا به یگانه تئوری منسجم علمی ، یعنی مارکسیسم - لنینیسم ، انقلابی ترین طبقه جامعه است و به همین جهت ، پیگیرترین دشمن سلطه امپریالیستی بوده و رهبری انقلاب دمکراتیک نوین ایران و تکمیل آن به سوسیالیسم را به عهده دارد .

۱ - وضعیت طبقه کارگر :

کمیت طبقه کارگر ایران در حدود ۵ میلیون نفر است که البته این رقم نمیتواند دقیقی باشد . زیرا تعاریف آمار دولتی حد و مرز بین مزد بگیران مختلف را مخدوش میکند ، در نتیجه تعیین دقیق کمیت طبقه کارگر بر مبنای آمار دولتی مشکل میگردد . همین رقم ذکر شده نه تنها در بر گیرنده کارگران صنعتی میباشد ، بلکه کارگران شهر و روستا ، و از آن جمله کارگرانی که بطور رایج کارگران

پروژه ای نامیده میشوند را نیز در بر میگیرد . (جدول شماره ۱ که از آمارگیری سال ۱۳۵۵ اخذ شده ، نحوه این ترکیب را تا حدودی نشان میدهد .

چه در رژیم گذشته و چه در رژیم کنونی ، کارگران ایران همواره یکی از محرومترین طبقات جامعه ما بوده و هستند . نرخ استثمار کارگران در رژیم گذشته بیش از ۴۱۸٪ بود . وجود ارتش بیکاران ، امنیت شغلی کارگران شاغل را تحت مخاطره دائمی قرار میدهد . شرایط بسیار نا مساعد کار فشار سنگین هزینه های زندگی و دستمزده پایین ، آنها را مستأصل کرده است . در شرایط کنونی نرخ بالای تورم ، مزد کم ، گواهی اقلام اصلی ازیاد و ازان گذشته ، کمپای آنها و دیوار مخوف بیکاری ، عرصه زندگی را بر کارگران تنگ کرده است . به علاوه رقم بسیار چشمگیری از کارگران بیکار وجود دارند که شرایط باز هم سخت تری را از سر میگذرانند .

با نگاهی به نیازات و خواسته های کارگران در چند سال اخیر ، در میابیم که آنان از حداقل امکانات رفاهی و حد اقل حقوق اجتماعی محرومند . عمده خواسته های مشترک کارگران را میتوان به تراز سر فهرست بندی نمود : ۱- اضافه دستزد ، ۲- بالا رفتن دستزد اضافه کاری ، ۳- در روز تعطیل در هفته ، ۴- حق بیمه ، ۵- حذف مالیات

از مزایا و کاهش بیمه و مالیات از حقوق ، ۶ - بیمه بیکاری ، ۷ - تنفییه
عناصر ضد کارگری ، ۸ - تأسیس شوراهای سندیکاها و واقعیاتی که
نمایندگان واقعی کارگران در آنها شرکت داشته باشند ، ۹ - حقوق
مسکن و تأمین مسکن ، مبارزه برای پرداخت سود ویژه ، (البته این
نکته را باید یاد آوری نمود ، که تحقق برخی از این خواسته ها در
چارچوب نظام موجود غیر ممکن است) : این خواسته ها نشان میدهد که
شرایط کار و شرایط زندگی کارگران ما چگونه است ، در بسیاری از کارخانه
ها کارگران از ابتدائی ترین وسائل بهداشتی محرومند ، بسیاری از
کارفرمایان برای کارگران خود حتی وسائل ایاب و ذهاب تهیه نمیکنند ،
بعلت شرایط سخت زندگی ، کارگران مجبور با قافله کارمندان طولانی
هستند ، و این باعث تحلیل رفتن تمام قوای فیزیکی و معنوی آنان میشود ،
در سال ۵۷ و در جریان گسترش جنبش بوده ای ، بسیاری از کارخانه
ها و مراکز صنعتی بواسطه اعتصابات کارگران بحالت تعطیل درآمدند ،
این اعتصابات در ایجاد جو عمومی سیاسی و انقلابی و تشدید عجز
پروشنده آن ، نقش بسیار زیادی را بازی نمودند ، علاوه بر این ، اعتصابات
مذکور پیش از همه در بالا بردن روحیه انقلابی کارگران ، میزان جسارت آنها ،
و ایجاد حس همبستگی میان آنها ، تأثیرات فراوان از خود برجای گذاشت ،
بعد از ۲۲ بهمن نیز ، کارگران دست از مبارزه نکشیدند ، بلکه بلافا
صله از همان اسفند ماه ۵۷ به مبارزه خود تداوم بخشیدند ، این مبارزات
در اشکال مختلف آغاز شد و با اشکال قهرآمیز خود نیز رسید ، موارد

متعدد دی مانند گوناگیری و با ساختن کوکب برای مقابله با پلیس نیز
اتفاق افتاد : از خصوصیات این مبارزات آن است که حتی عقب مانده ترین
دستجات کارگران نیز بر آنها فعالانه شرکت داشتند .

بعد از روی کار آمدن رژیم کنونی ، اکثریت کارگران تصور میکردند
که اوضاع نسبت به سابق کاملاً تفاوت کرده است (۲) . اما
مبارزات بعدی آنها و مشاهده واقعه‌های اجتماعی بآنان نشان داد
که رژیم جمهوری اسلامی نیز همانند سلف خود حامی سلطه سرمایه
وابسته بوده و از همان نظمی دفاع میکند که رژیم شاه مینمود . بر
خورد های وحشیانه پلیس ، زاندار سری و به خصوص سپاه پاسداران و کمیته
ها با کارگران مبارز بین از پیش برده از ماهیت رژیم برگرفت کارگران خود
شاهد بودند که همان عناصر مزدور دیروز فقط با گذاشتن ریش
در همان مناصب ، قبلی خود ابقاء شده اند و حتی در بسیاری از
موارد ، ارتقاء مقام نیز پیدا کرده اند (۳) .

از همان ابتدا ، رژیم جمهوری اسلامی شدت جنبشهای کارگری
را سرکوب کرده و بارها حرکات اعتراض آمیز کارگران را بخون کشیده است .
قتل ناصر توفیقیان ، در همان اوایل روی کار آمدن رژیم کنونی و بعد
کشت و کشتاری که رژیم در کاخاخشیه کفش ملی و اخیراً در دخیانیات
..... برآه انداخت ، نشان دهنده عزم راسخ جمهوری اسلامی در
سرکوب وحشیانه جنبش کارگری میباشد . رژیم علاوه بر سرکوب قهرآمیز
جنبش کارگری و انتخاب آن بعنوان شیوه اساسی مقابله با جنبش کارگران

از شیوه های دیگر نیز برای فروتشانیدن و از هم پاشیدن این جنبشها
 سود میجوید. از جمله با مارک زدن و بدنام کردن کارگران فعال، ضد
 اسلامی خواندن آنها، دروغ گفتن و شایعه انداختن، تطمیع کردن
 با چ سیل دادن و نهایتاً سعی در خریدن نمایندگان کارگران مبارزه
 سازماندهی نیروی ویژه در کارخانه ها، تهدید کارگران و نمایندگان
 آنها، اخراج آنان با بهانه تراشیهایی در پی، براه انداختن تبلیغات
 دامنه دار ضد کمونیستی در کارخانه ها، براه انداختن پاندهای سیاه
 چاقی بدست، مضروب کردن نمایندگان واقعی کارگران، دخالت پاسداران
 مسلح، تعقیب و دستگیری کارگران آگاه و مبارز، یورش شهابه به خانه
 کارگران فعال و نمایندگان آنان از جمله اعمال دیگریست که رژیم برای
 مقابله با جنبش کارگری بکار میبرد. شرورهای فوهای رژیم در بسیاری از
 موارد ارگان اجرای این امورند. گرچه در شرایط کنونی دامنه جنبش کارگری
 محدود گردیده است با این همه، جنبش کارگری در دوره اخیر از دامنه وسیعی
 برخوردار بوده البته باید توجه داشت که جنبش مذکور عمدتاً در پی تحقق
 خواسته های صنفی خود تلاش میکند و میکند.

۲- طرح برخی از مسائل در رابطه با جنبش طبقه کارگر:

هنگام بحث پیرامون وضعیت طبقه کارگر و جنبش کارگری ایران، باید
 دقیقاً تفاوت شرایط شکل گیری و رشد طبقه کارگر و جنبش کارگری نه پنهان

با وضعیت و جنبش طبقه کارگر جوانی که نظام سرمایه داری را به عنوان مرحله ای ضروری تاریخی پیشکلاسیک تجربه کرده اند، توجه کافی مبذول داشت؛ نادیده گرفتن این تفاوت شرایط از جانب کمونیست‌ها و انتخاب الگوهای تحلیلی پوین و کوش در گنجاندن جنبش طبقه کارگر ایران در درون این الگوها و سعی در اخذ نتیجه گیریهای یکسان بر طبق موازن الگوهای مذکور، نه تنها هیچگونه دستاوردهای علمی نخواهد داشت، بلکه حتی از لحاظ علمی نتایج مگرایی بیار می‌آورد.

ما در اینجا بطرح پاره ای از مسائل اساسی در رابطه با جنبش طبقه کارگر ایران می‌پردازیم و بدینال آن برخی نتیجه گیریهای مهم را مینماییم:

۱- باید باین واقعیت توجه داشت که نیروهای نظام اقتصادی - اجتماعی فئودالی در ایران، اساساً با بسط و گسترش سلطه امپریالیسم مشخص نگردد. جامعه نیمه فئودالی ایران که در اواخر قرن نوزدهم تحولات بیرونی و درکواتیک خود را از خود میگردانید، به تدریج تحت سلطه امپریالیسم قرار گرفته و به جامعه نیمه مستعمره نیمه فئودالی تبدیل گردید. طی قرن اخیر بر اثر بسط و گسترش روز افزون سلطه امپریالیستی، ساختمان اقتصادی - اجتماعی جامعه ایران، علی‌الخصوص بعد از اصلاحات ارضی، وسعاً تغییر کرده و بدین ترتیب سلطه امپریالیستی از شکل نیمه مستعمراتی به شکل نو استعماریش تکامل یافت و جامعه ما چون یک جزء ارگانیک وارد کل سیستم امپریالیستی گردید.

نقش قبلی خوش را بازی کند . بسیاری از صنایع در ایران ، صنایع جانشین واردات است . مثلا ۵/۲۲۸ از مواد اولیه کارخانجات ریختن بتاسی ، ۲۸۰ مواد اولیه صنایع ماشین آلات و صنایع فلزی ، ۲۸۰ مواد اولیه صنعت نساجی ، ۲۵۷ مواد اولیه صنایع وسائل ساختمان ، ۲۱۸/۷ مواد اولیه کفشد سازی ، ۶۸۵ تا ۶۱۰۰ مواد اولیه صنعت داروسازی و ۶۶۰ تا ۶۱۰۰ مواد اولیه صنایع شیمیائی از کشورهای امیر بهالیستی وارد میشوند . بدلیل سطح بالای تکنیک و ترکیب ارگانیک سرمایه و گسترش ناموزن و ناقص صنعت ، واحدهای صنعتی بزرگ با جمع انبوه کارگران محدود است . طبق یک بررسی که در سال ۱۳۲۲ انجام گرفت ، واحدهائی که بیش از ۵۰ کارگر داشته ۱۱٪ کل شانغلان و واحدهائی که کارگران آنها بین ۱۰ تا ۵۰ نفر بودند ۶۰٪ شانغلان را در بر میگرفتند . بنابراین ۶۸۳ کل کارگران در واحدهائی که کمتر از ۱۰ کارگر داشته ، کار میکردند . طبق برآورد دیگری مقدار کل کارگاههای صنعتی بزرگ و کوچک در شهرهای مختلف ایران به ۳۰۳۰۰۰ بالغ میشوند که در آنها ۱۳۲۵۰۰۰ نفر مشغول به کارند . از این کارگاهها تنها ۸۲۰۰ واحد در ردیف کارگاههای بزرگ محسوب میگردد . به بیان دیگر ، کارخانه های بزرگ از لحاظ مقدار فقط ۲/۲۶٪ کل واحد های صنعتی را تشکیل میدهند و میانگین کارکنان هر واحد صنعتی از ۵۰۷ نفر تجاوز نمیکند . این ارقام تراکم بسیار پائین کارگران را در واحدهای تولیدی بیان میکند .

هر واحد صنعتی بزرگ ، واحد کم و بیش مستقلی است که
 هدف تا نیازندهای خود را از يك منبع خارجی امروالیستی تأمین میکند .
 اکثریت قریب باتفاق صنایع در ایران ، صنایع جانشین واردات میباشند .
 این امر منجر بآن میشود که رشته های مختلف صنعت رابطه فونکسیونال
 ضعیفی با یکدیگر داشته باشند ، یعنی چگونگی عملکرد هر يك از آنها
 بستگی زیادی به عملکرد دیگری ندارد . (۴) این واقعیت در شکل
 گیری و دامنه گرفتن و تاثیر گذاری جنبش کارگری نقش زیادی بازی میکند .
 این ویژگی تا حدودی باعث میشود تا آن زمینه های مادی یکپسختیهای
 مختلف طبقه کارگر بتوانند حتی در مبارزات حرفه ای خویش ، و براساس
 تجربه عینی ، وحدت و همبستگی خود را با دیگر رفقای کارگر خود درك
 کنند ، بسیار محدود گردند . (۵)

۲ - بسیاری از عناصر تشکیل دهنده طبقه کارگر ایران منشاء روستائی
 دارند و از ترکیبهای قومی و ملی متفاوتی هستند . (۶) يك بررسی
 نشان میدهد که در حدود ۶۶۳ افراد تشکیل دهنده طبقه کارگر
 ایران در روستا متولد شده اند . بیشك وجود طبقه هایی با روستا و یا
 وجود پیوندهای قومی و یا ملی بر چگونگی عمل مبارزاتی آنها بعنوان
 طبقه کارگر اثر میگذارد . تنها تئوریکالی از کارگران جزو کارگران مشخص بوده
 و بهمه در زمره کارگران ساده یا با اصطلاح بیل و کلنگی قرار میگیرند . (۷)
 با توجه به فقدان حقوق ابتدائی زحمتکشان و وجود ارتش عظیم
 بیکاران ، آنان همواره در معرض خطر و تهدید بیکاری قرار دارند .

این امر از یکسو در خلق و خوی کارگران تأثیر منفی داشته و از سوی دیگر سرمایه دار را از این جنبه در موقعیت برتری برای مقابله با مبارزات کارگران قرار میدهد .

هـ- با توجه به موارد فوق (پروژه ماهیت تحت سلطگی جامعه ما) مجموعه شرایطی وجود دارد که بنیاد بر وضعیت و رشد طبقه کارگر و مبارزات کارگری تأثیر میبخشد . جنبش طبقه کارگر در ایران بیش از آنکه به صورتی مشخص مبارزه ای بر علیه سرمایه داری باشد ، مبارزه ای اساساً ضد امپریالیستی است . جنبش مزبور باید بمثابة بخشی از جنبش ضد امپریالیستی خلق در نظر گرفته شود .

این درست است که مبارزه بر علیه سلطه سرمایه جهانی عناصری از - مبارزه با خود سرمایه را در بر دارد و با توجه به تغییر کیفی جامعه ایران از نیمه مستعمره - نیمه فئودالی به جامعه ای نو مستعمره - این مبارزه هر چه بیشتر به مبارزه بر علیه خود سرمایه مبدل شده است ، اما از این حکم چنین بر نیاید که تصور شود نابودی سلطه سرمایه داری وابسته و پیروکراتیک به معنی نابودی مالکیت خصوصی بورژوازی و آغاز انقلاب سوسیالیستی است . زیرا آنچه که ماهیت جامعه ما و کلیه تغییر تحولات اقتصادی و اجتماعی آنرا تعیین میکند ، سرمایه داری وابسته و پیرو - کراتیک نبوده بلکه سلطه امپریالیسم است .

در حقیقت تسلط سرمایه وابسته بر جامعه ما ، خود محصول سلطه سرمایه جهانی بوده و تضاد کار و سرمایه بمثابة تضادی فیزی خود معلول

رشد و گسترش این سلطه میباشد : بدین لحاظ چنانچه عامل ادبار و فقر و تهیدستی توده ها ، عقبماندگی سیاسی شان ، تورم و اختناق وحشیانه رژیم و بطور کلی عامل بازدارنده پیشرفت جامعه ، اساسا در خود سرطانیست داری وابسته دیده شود ، نه يك خطای تئوریک صرف ، بلکه از لحاظ علمی بسیار خطرناک است .

آنچه که به سرمایه داری وابستگین امکان را داد تا بتدریج بر مواضع قدرت اقتصادی دست یابد ، باعتبار تسلط سرمایه جهانی (امپریالیسم) بر مبین ما بوده است . " همان طور که میدانیم برپروازی پس از آنکه بتدریج مواضع قدرت اقتصادی را اشغال میکند دست اندر کار اشغال مواضع قدرت سیاسی میشود تا قدرت اقتصادی خود را بیش از پیش استحکام بخشد . اما در اینجا سلطه اقتصادی امپریالیسم بر شرق ، تنها با هجوم سیاسی و نظامی امکان پذیر میشد ، و نیز هرگونه ادامه سلطه اقتصادی ناگیرها قهرضد انقلابی عجیب بوده است " (م. م.)
همه اینها در ص ۲۲

پس باین ترتیب در شرایط کنونی جامعه ما مبارزه توده های مردم و از آن جمله مبارزه طبقه کارگر بر علیه سلطه انحصارات امپریالیستی ، سرمایه داران وابسته و مالکین بزرگ ارضی ، مبارزه بر علیه سرمایه داری بطور کلی نبوده ، بلکه اساسا مبارزه ای بر علیه سلطه امپریالیسم (سرمایه جهانی) میباشد .

۵- و اما مبارزه بر علیه سلطه امپریالیسم ، عناصری از مبارزه با

خود سرمایه را در بر دارد و در عین حال این مبارزه محتاج به بسیج وسیع توده ها است . باین دلیل عناصری از يك انقلاب سوسیالیستی نیز در وطن مبارزه ضد امپریالیستی متولد شده و شروع بهشد میکند . طبقه کارگر به مثابه یگانۀ طبقه پشاهانک خلق ، میتواند و باید با تأمین همزیستی خویش مبارزه ضد امپریالیستی خلق را در جهت پیروزی قطعی انقلاب دیکتاتوری کمونیسم و رهبری نماید . ولی باز از آنجا که با قطع سلطه امپریالیسم ، بقا، مرکز و روابط سرمایه داری به برقراری پیوندهای نزدیک با امپریالیسم و سپس به تحت سلطه قرار گرفتن آن منتهی میگردد ، تبدیل انقلاب دیکتاتوری کمونیسم به انقلاب سوسیالیستی امری اجتناب ناپذیر است ؛ در نتیجه همزیستی پیوسته و متناهی بدل بدیکتاتوری شده و انقلاب سوسیالیستی علاوه آغاز میگردد . بدین ترتیب است که مبارزه بر علیه امپریالیسم به مبارزه بر علیه سرمایه داری ، و - مبارزه با سلب مالکیت امپریالیستی به سلب مالکیت سوسیالیستی بدل میشود .

۲ - عامل اصلی ابقاء سلطه امپریالیسم قهر ضد انقلابی است .

امپریالیسم اساسا با اعمال قهر ضد انقلابی و بطور سیستماتیک و به - استفاده از تجربیات ضد انقلابی فراوانی که اندوخته سالیان دراز مبارزه بر علیه جنبش مردم شده و پیروز بر علیه جنبش کارگر است ، مبارزات حق طلبانه توده های مردم مارا به شدت سکوچ میکند . مبارزه ضد امپریالیستی خلق و در رأس آن جنبش طبقه کارگر تحت شرایط حاکمیت امپریالیستی که حاکمیتی مکی به سر نیزه است ، در اشکال اقتصادی و صرفا سیاسی انجام میگیرد و گسترش نیافته و سازمانهای توده ای وابسته باین اشکال مبارزه نیز

طبعاً نمیتوانند بوجود آیند و هر چند گاه تحت شرایط مجبوری چنین مبارزاتی شکل بگیرند که هنوز رشد نکرده با کشتار وسیع توده ها و انقلابیون می نشینند و برحسب تئوری شکل ممکنه سرکوب میگردد. این شرایط سیاسی وسیعاً تشدیداً قهرآمیز و بر روی جنبش طبقه کارگر اثرگذاری میکند و بطوریکه طبقه کارگر ایران را از داشتن ابتدائی ترین تشکلهای طبقاتی و حتی آگاهی توده یونیونی نیز محروم ساخته است. بدیهی است که تحت این شرایط و پروسه تشکل خلق و مشخصاً پروسه تشکل و کسب خود آگاهی طبقاتی کارگران ویژگی خاصی مییابد که بر طبق موازین الگوهای شناخته شده پیشین نمیتواند انجام بپذیرد. طبقه کارگر ایران تنها در جریان مبارزه مسلحانه طولانی و عظیمه سلطه امپریالیسم و در جریان پیوج کل خلق و همراه با بردن آگاهی انقلابی از جانب پشاهنگ پرولتری و تشکل یافته و خود آگاهی کسب میکند و به این طریق سازمان مستقل سیاسی خویش (حزب کمونیست) را بوجود میآورد.

۳ - نتایجی چند :

خلاصتاً جنبش کارگری در شرایط کنونی و خصلت اکتونیستی آن است و بخشی از آرستوکراسی کارگران ایران حامل اندیشه های انحط و فریبستی و روزیونیستی و اپورتونیستی در جنبش طبقه کارگر ماست. آرستوکراسی کارگری در ایران و هگامیکه بعنوان یک قشر در نظر گرفته شود و

دارای يك نقش ضد انقلابی و ضد كارگری در جنبش طبقه كارگر ایران است. گسترش منافع امپریالیستی در ایران و نحوه این گسترش، يك قشر نسبتا محدودی در میان كارگران بوجود آورده است كه از نظر شرایط زندگی و جهان بینی با دیگر كارگران تفاوت اساسی دارد. این قشر كه بیشتر از كارگران ماهر و تكنسین ها تشكيل میشود، نقش منفی نسبتا مهمی در جنبش طبقه كارگر بازی میکند: حقوق ماعانه آنها حتی در شرایط کنونی به ۱۵۰۰۰ هزار تومان نیز میرسد. بخشی از آنان بکسر در خدمت قدرت ریز قرار گرفته و آشکارا از دشمنان طبقه كارگر حمایت میکنند. بخش دیگر در موضع "ایزوپون" قرار دارند. عددا همین كارگران زیر پرورش تبلیغی و ترویجی جبرانات اپورتونیستی و روز پرورشی قرار میگیرند. اینان به علت رفاه مادی، میزان تحصیلات و سابقه تجربه خود بیش از كارگران دیگر فرصت مطالعه و تجمع ارتباط با محافل "روشنفکری" را دارا هستند. درست بدلیل همین عوامل و پیشگامی آنان در مبارزات منطقی كارگران است كه معمولا اعتقاد دیگر كارگران را جلب نموده و دارای نفوذ معنوی در میان آنها هستند. همین بخش از كارگران هستند كه عددا حاصل اندیشه های منحط رفورمیستی، اپورتونیستی و روز پرورشی در جنبش طبقه كارگر ایران میباشند. (۸) نتایج مثبت مبارزه اکونومیستی طبقه كارگر بیشتر از همه نصیب همین قشر میگردد و به همین جهت نیز آنها همواره در مبارزه اکونومیستی پیشقدم بوده و در این زمینه دارای تجربیات زیادی هستند. این بخش از طبقه كارگر در تغییر وضع موجود منافعی ندارد، بلکه اساسا

منافع آنان در تثبیت وضع موجود نهفته است. • اخلاص در تولید، اعمال
 انقلابی، نا آرامی سیاسی، رادیکالیزه شدن جنبش کارگری، همه و همه
 اینها مستقیماً منافع آنها را به مخاطره انداخته و منافی برای کاهش
 نفوذ آنان در میان توده ها میگردد. • بنابراین منافع این بخش از طبقه کارگر
 در جلوگیری از رشد و گسترش دامنه جنبش انقلابی کارگران میباشد. • سازج
 مانهای عمده این ایستوکرانهای خائن پسه طبقه کارگر، همان اکثر
 و حزب توده، یخائن هستند. • (۱) کسانی که در این سازمانها گرد هم
 جمع شده اند، تمام روشها و ابتکار خود را برای بازداشتن جنبش انقلابی
 به کار گرفته اند. • یکی از مهمترین وظایف انقلاب بین کمونیست روسا و
 منفرد کردن همین عناصر و جریانهاست. • به طبقه کارگر است. •
 اما رادیکالیزه کردن جنبش طبقه کارگر در خارج حزب مبارزه آکونومیستی
 و یا حتی صرفاً کارگری، امکان پذیر نیست. • تجربه جنبش ضد امپریا -
 لیستی خلق دقیقاً و بوضوح نشان داده است که اندازه نفوذ معنوی یک
 سازمان انقلابی در میان کارگران و حمایت مادی آنان از سازمان مفروض و
 بستگی تام باندازه تاثیرگذاری سازمان مورد نظر بر کل جنبش ضد
 امپریالیستی خلق دارد. • تا وقتی که سازمانی بعنوان یک نیروی جدی سیاسی
 در جامعه شناخته نگردد، نمیتواند حتی بر جنبش آکونومیستی طبقه
 کارگر اثرگذاری مهمی داشته باشد. • تعداد زیادی از سازمانهای موجود
 در بین جنبش کمونیستی تصور میکنند که تنها با شرکت در مبارزات طبقه
 کارگر و بخش اوراق انشاگران است که میتوان طبقه کارگر را

سازمان داده :

اینان که تصور درستی از ماهیت تحت سلطگی جامعه ایران ندارند ، شعارهایی مانند نظارت بر تولید و مدیریت کارخانه ها بدست کارگران و را در میان کارگران تبلیغ و ترویج میکنند . این شعارها که زمانی به توصیه کمترین درجه طبقات کارگر سراسر جهان بعنوان انقلا - بهترین شعارها تبلیغ و ترویج میشد ، در شرایط جامعه تحت سلطه ما جز آشتی طبقاتی و بیگانه نگاهداشتن طبقه کارگر از موقعیت خویش هیچ معنای دیگری ندارد و باعث قلمبیدن روح و روان طبقه کارگر میگردد . در شرایطی که همه شرایط تولید تحت کنترل کامل امپریالیستها و نوکران ایرانی شان قرار داده ، در شرایطی که حاکمیت امپریالیستی اساسی به سوزنیه است ، یکارگران توصیه میشود که "کنترل تولید" را در دست بگیرند ، بدون آنکه این امر با درهم شکستن ارتش امپریالیستی و تغییر در ساخت اقتصادی جامعه همراه باشد . در همین حال چنین درکی از شرایط اقتصادی - اجتماعی جامعه و وضعیت طبقه کارگر ، منجر به آن میگردد که روشهای کار شناخته شده "انقلابیون کشورهای دیگر الگوری کار انقلابیون ایران قرار گیرد" . تحلیل نتایج کار مبارزین نشان میدهد که این روشها در تغییر وضعیت طبقه کارگر ما در مبارزه طبقاتی و هم - چنین رشد قوای معنوی آنها چندان موثر نیستند . از سوی دیگر بسیاری از این سازمانها با اشاره به دانش طبقاتی طبقه کارگر ، به مبارزه اکونومیستی بعنوان یک مرحله "ضروری" نگاه کرده و تمام فعالیت خود را

در میان طبقه کارگرمبتدارك برای برآه انداختن يك اعتصاب و یا اعتراض
 دستجمعی کارگران این با آن کارخانه محدود میسازند ، که در این
 میان آهستهترکاسی کارگری خدمتکار حلقه بگوش آنهاست .

بنظر ما در جریان جنگ توده ای طولانی بولیه دولت امپریالیستی
 و بنظر سرنگونی آن است که کارگران آگاه و متشکل میشوند و سازمان
 مستقل خود را برای اعمال مزمونی بر جنبش ضد امپریالیستی ، برپا
 میسازند . تنها با تقویت سازمان سیاسی - نظامی ، گسترش جنگ انقلابی
 و توضیح و تشویق این براتيك انقلابی است که میتوان بر کل جنبش طبقه
 کارگر اثرگذاری نمود . طبقه کارگر ما ، در عمل نشان داده است که
 تنها به سازمانها توجه دارد که در حیات سیاسی جامعه میتوانند نقش
 انقلابی بازی کنند . علیرغم آنکه بسیاری از سازمانها همه فعالیت خود
 را بزویی با اصطلاح کار افشاگرانه و آگاهی دهنده در دین کارخانه ها
 متمرکز نموده اند ، از این مسیر نتوانسته اند بیک نیروی قابل توجهی
 تبدیل شوند . بنابراین بروسه تشکیل طبقاتی پرولتاریا در جریان گسترش
 جنگ انقلابی و بسیج کل خلق امکان پذیر است . همچنین باید پیساد
 داشت که شرط پیدایش دوام سازمانها و اشکال دیگر مبارزات توده ای
 در گورشد و گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی و در چارچوب آن امکان پذیر
 است ، زیرا پیدایش دوام هر سازمان و قدرت عملکرد آن بستگی به محیط
 اجتماعی معینی دارد . باید با ارزیابی عینی ، آن شیوه هایی از مبارزه
 را برگزید که بتوانند محتوای انقلابی را به پیش ببرند و با نتایج حاصل

از یارگیری آنها، زمینه های هرچه عالیتری برای گسترش جنبش انقلابی، فراهم شود.

در شرایط جامعه ما، مبارزه سیاسی - نظامی شیوه اصلی مبارزه و سازمان سیاسی - نظامی شکل اصلی تشکل است و همانگونه که گفتیم امکان رشد و گسترش شیوه های دیگر مبارزه و اشکال دیگر سازمان در کشور شده و گسترش مبارزه مسلحانه است. از این حقیقت دوکی ساده و یکجانبه نباید داشت. وقتی میگوئیم رشد و گسترش مبارزه مسلحانه، شروط رشد و گسترش شیوه های دیگر مبارزه و اشکال دیگر سازمانی است و با وقتی میگوئیم مبارزه مسلحانه، زمینه رشد و گسترش همه اشکال دیگر مبارزه است. بدین معنی است که مبارزه مسلحانه آنچنان شرایطی را میآفریند که اشکال دیگر سازمان امکان پیدایش و دوام بدست آورده و شیوه های دیگر مبارزه میتوانند نقش موثری در تسهیل انقلابی جامعه بازی کنند. (پنویس شماره ۱۲ درباره مناطق سرخ رجوع شود.)

فصل —

دهقانان

الف — روابط ارضی و ترکیب قشر بندی روستائیان

پیش از "اصلاحات ارضی" روابط تولیدی حاکم بر روستاها ، روابط
فئودالی بود . اصلاحات ارضی امپریالیستی این روابط را اساسا درهم
شکست و سطره سرمایه را تا دورافتاده ترین روستاها بسط داد ، و
بدین ترتیب دهقانان از همان ابتدای اصلاحات ارضی " در دام سرمایه
وابسته گرفتار آمدند . طبق قانون "اصلاحات ارضی" ، تنها زمینهای
تقسیم شد که زاهدین بشیوه نصفه کاری و یا نسق کاری روی آنها کار
میکردند . بدین ترتیب زمینهای مکانیزه و یا مزاحی که زاهدین به صورت
مزد بگیر روی آنها کار میکردند ، از تقسیم معاف شدند ، و تازه زمین
هایی هم که بین دهقانان نصفه کار و صاحب نسق تقسیم گردید ، عمدتا
از نوع نا مغرب آن بودند . نتیجه اینکه پیش از "۲۴" از روستائیان برای
همیشه از داشتن زمین محروم شدند . بسیاری از ایاتان و نتیجه عواقب
"اصلاحات ارضی" با آواره شهرها شدند ، و با بهریت کارگران مزدور در

کشت و صنعتها در آمدند و با اینکه بصورت کارگران مزد بگیر در فصول
زراعی روی زمینهای "اربابان" و با دهقانان مریه بکار برداخته و در
فصول غیر زراعی، شهرها رفته و بکارگری روی آوردند و تازه زمانی
هم که اینان بکار کشاورزی بر روی زمین دیگران اشتغال داشتند، عمدتاً
بصورت روزمزدی بوده و در هفته بطور متوسط ۴-۵ روز میتوانستند کاری
برای خود دست و پا کنند.

لازم بتوضیح است که در مناطقی هم "املاحات ارضی" انجام نگرفت
و در نتیجه نظام ارباب - رعیتی حفظ شد.

در حال حاضر روابط ارضی را در روستاهای ایران با شکل زیر -
میتوان مشاهده نمود.

الف - خرده مالکی

این شکل از مالکیت اگر چه پیش از "املاحات ارضی" نیز وجود داشت
ولی پس از آن در بعد بسیار وسیعتری در عرصه روستا حضور پیدا کرد.
دهقانان نیمه سرف اگر چه در نتیجه "املاحات ارضی" از بند فئودال
رسته بودند، با این حال اینان را به هیچوجه نباید بعنوان دهقانان
آزاد حساب آورد، زیرا بلافاصله در دام سرمایه اهریالیستی گرفتار آمدند
و از همان نخستین روز بدست آوردن قطعه زمین، نور مالک شدنشان
تحت فشار قرضهای زمین که میبایستی بدولت میبرداختند و تحت شرایط

نامطلوب زایل شد . ریاخواران در شهر و رستا و نیز بانکها ، آخرین
 رتبه‌های دهقانان زحمتکش را کشیدند . چنانکه بر سر پیمان‌شان می‌دهند ،
 حتی ۸ سال پس از " اصلاحات ارضی " تا حدود ۶۷۰ مایه‌های دهقانان
 تهیدست از ریاخواران روستائی تامین میشد . بر طبق آمارهای موجود
 در حدود ۶۵۵ وام‌هاییکه دهقانان تهیدست از مایه‌های مختلف گرفته‌اند ،
 صرف تامین معاش آنان شده است ، و حدوداً ۶۹۱ دهقانان ادا کردن
 آنرا که توانائی مخارج کشاورزی را ندارند (۱۰)

خلاصه اینکه باز تولید دهقانان نه تنها نمیتوانست در مقیاس وسیع‌تر
 تکرار شود ، بلکه آنان مجبور بودند که برای باز تولید خود در همان مقیاس
 پیشین به بانکها و ریاخواران پناه ببرند . در نتیجه در طول این پروسه
 همیشه اسیر سرمایه بوده و نیز بریز قهر تر میشدند . این واقعیت شعرا
 با پروسه‌های دیگری که به موازات آن جریان داشت ، از قبیل از بین رفتن
 دیگر مایه‌های درآمد روستائی مانند پرورش دام و طیور و مایه‌های دستی و ...
 موجب آن میشد که سرانجام دهقانان تهیدست از خانه و کاشانه خود
 رانده شوند و آواره شهرها گردند :

ترکیب قشر بندی دهقانان خرده مالک :

دهقانان تهیدست : بآندسته از روستائیان گفته میشود که
 دارای قطعه زمین کوچکی بوده و با کار بیروی آن و در موارد بسیار

دست زدن بکارهای دیگر (اجاره داری ، کار بر روی زمین دهقانان مرفه و یا بزرگ مالکان ، کارگری در شهرها در فصل غیر زراعی و ...) امرار معاش می نمایند . اگر چه وسعت زمین معیار ما برای قشر بندی دهقانان نیست ، اما حدودا میتوان گفت که دهقانانی که تا حد اکثر ۲ هکتار زمین دارند ، جز "ایندسته محسوب میشوند" . قریب ۶۲۱ دهقانان ایران در ایندسته جای میگیرند . این عده با جمعیتی که اندکی بیش از یکمیلیون خانوار است تنها ۷۰۰۰۰ هکتار ، یعنی ۶۲/۵ کیل مساحت اراضی زراعی را در اختیار دارند . این تناسب بطرز وحشتناکی قزو تنگدستی را در روستاهای مین نشان میدهد . اینان از نیروهای ثابت قدم در انقلاب ضد امپریالیستی - دموکراتیک ما هستند .

بر طبق آمار رسمی ۵۳۶۶۹ خانوار روستایی که در مجموع ۶۲/۲ کل بهره برداران را تشکیل میدهند و از دهقانان تبه دست محسوب میگردد ، در نظام استیجاری بر میروند که از میان اینان ۲۴۱۲ خانوار اساسا فاقد زمین میباشد .

دهقانان میانده حال ! اینان عمدتا خود و خانواده شان بر روی زمینهای خود بتولید زراعی اشتغال داشته و دارای آن حداقل زمینی هستند که کفاف معاش خانواده شان را میکند . در این جا ذکر یک نکته را ضروری میدانیم و آن اینکه حداقل زمینی که کفاف

معاش خانواده را بکنند ، در شرایط مختلف ، بر حسب حاصلخیزی خاک ، تنوع تولید ، بهره گیری از تکنولوژی و تفاوت است . در هر حال میتوان گفت که دهقانان میانه حال در ایران ۱۰ - ۲ هکتار زمین در اختیار دارند . اینان با جمعیتی بالغ بر ۱۷۰۰۰۰ خانوار در حدود ۴۵۰۰۰۰۰ هکتار یعنی $\frac{28}{5}$ کل مساحت ارضی مزرعی را در اختیار خود دارند . دهقانان میانه حال نیز از ستم سرمایه وابسته رنج برد و توسط بانکها استعمار میشوند . اینان نیز از متحدین پولتاریا در انقلاب حاضر میباشند .

دهقانان ثروتمند : اینان در کنار زمینهای خود زندگی کرده و ضمن آنکه خود و خانواده شان بر روی زمینهای خود بتولید زراعی اشتغال دارند ، از نیروی کارگران مزد بگیر و بزرگسرا ن که موجب آنان بر حسب شرایط و عرف و سنت تعیین میشود ، برای تولید زراعی سود میجویند . ایندسته از دهقانان با جمعیتی معادل ۲۲۸:۲۴ خانوار ، در حدود ۷۵۰۰۰۰ هکتار ، یعنی $\frac{45}{5}$ کل اراضی مزرعی ایران را در اختیار خود دارند . اینان جزو گروههای متزلزل و ناپایدار انقلاب هستند . برخورد انقلاب پدهقانان مرفه بستگی به موقعیت مشخص و وضعیت سیاسی هر کدام از آنان دارد .

ب - تولید سرمایه داری : این شکل از تولید گرچه پیش از "اصلاحات ارضی" نیز موجود بوده ، ولی پس از آن گسترش بیشتری پیدا کرد . این شکل از تولید مجرد نیروی شده است که در انقلاب حاضر دارای نقش قابل توجهی است ، و آن پرولتاریای روستاست . اینان تحت شدیدترین استثمار سرمایه امپریالیستی قرار دارند .

علاوه بر دولت که زمینهای وسیعی را بصورت کشت و صنعت و به شیوه سرمایه دارانه بزرگ کشت پرده است ، مالکین و سرمایه دارانی که در بخش کشاورزی به سرمایه گذاری اقدام کرده اند ، با داشتن امکانات مالی بسیار و با استفاده از هزاران رشتی که آنان را به سرمایه مالی و بوروکراتیک پیوند میدهد ، در این حوزه از تولید به هرکردن کپس های خود اشتغال دارند . اینان با حفر چاههای عمیق و در اختیار گرفتن ماشین آلات کاشت و داشت و برداشت ، و بکارگیری بسیاری از امکانات که در سود آوری کار زراعت دخیل اند ، علاوه بر استثمار وحشیانه پرولتاریای روستا ، به استثمار دهقانان خرده پا و تهیدست نیز میپردازند ، در حالیکه دهقانان خرده مالک برای تولید زراعی خود مجبورند ماشین آلات آنان را اجاره نمایند ، و یا بخرند آب از آنان ببادرت ورزند ، ضمن اینکه همیشه در معرض خطر تصرف تکه زمین خود از سوی آنان قرار دارند .

این دسته از زمینداران که فقط ۱٪ کل بهره برداران را تشکیل میدهند ، وسعت زمین شان بالغ بر ۲۵۰۰۰۰۰ هکتار ، یعنی

۶۲۱/۵ کل اراضی مزروعی ایران است . (مقایسه شود با مالکیت دهقانان
تهجدست و معاینه حال) .

هر طبقه آثارهای دولتی ۲۱۲ واحد کشت و صنعت در ایران
فعالیت داشته که در حدود ۱۲۸۰۰۰ هکتار از اراضی مزروعی را در
اختیار خود گرفته بودند . از میان این شرکتها ۷ واحد متعلق به
دولت بوده که جمعا ۱۲۲۰۰۰ هکتار زمین را زیر کشت میرده ، ۲۰۲
واحد دیگر با مساحت ۴۰۰۰۰ هکتار بصورت خصوصی اداره میشدند
و ۴ واحد دولتی - خصوصی نیز با ۶۲۰۰۰ هکتار زمین مزروعی به
فعالیت زراعی به شیوه سرمایه دارانه اشتغال داشتند . شرکتهاى -
سهامى زراعى نیز که مدیریت آن توسط دولت بوده ، در این تقسیم بندی
قرار میگیرند .

ج - بالاخره نوع سوس در روابط ارض ایران ، همان رابطه
ارباب - رعیتی است که پیش از " اصلاحات ارضی " مدگی داشت و اکنون
نیز در بعضی از نقاط بصورت محدود وجود دارد . روستائى که تحت
نظام ارباب - رعیتی قرار دارند ، از متعددين پوشتاها در مرحله
فعلی انقلاب میباشند .

۲ - مسئله ارضی و جنبش انقلابی دهقانان

برخورد بسیاری از نیروهای کمونیستی با مسئله ارضی و جنبش دهقانان

ایران همچون برخوردشان با سرمایه داری و جنبش طبقه کارگر ایران است. اینان در این مورد نیز با انتخاب الگوهای تحلیلی بدین ، سعی دارند که مسئله ارضی و جنبش دهقانی را در درون این الگوها بگنجانند و طبعاً نتایج یکسانی برطبق موازن الگوهای مذکور بدست می آورند . این امر موجب می گردد تا آنها نتوانند برخوردی اصولی با مسئله ارضی و جنبش دهقانی بنمایند . ما در اینجا نقطه نظرات خبثود را در مورد مسئله ارضی و جنبش دهقانی باجمال بیان میکنیم :

هنگامیکه " اصلاحات ارضی " در مهبان ما اتفاق افتاد ، بسیاری از نیروهای کمونیستی این واقعه را صرفاً یک دروغ پنداشته و بدین جهت نتوانستند با آن برخورد درستی بکنند . زیرا که تغییرات مزبور ، درجانب چوب فرمولهای تئوریک پذیرفته شده از جانب آنان نمیگنجید . اما بسطو گسترش روزافزون سلطه سرمایه داری وابسته و بورژوازیاتیک ، چه در شهر و چه در روستا را — که واقعیتی انکارناپذیر بود — دیگر کسی نمیتوانست نادیده بگیرد . بدین ترتیب اینان مجبور شدند که به اینها " تحولات " بنشینند ، ولی باز از آنجائیکه تئوریهای پذیرفته شده — (تئوری جامعه نیمه مستعمره — نیمه فئودالی) را بدرستی درک نمی — کردند بهجای اینکه در پرتو تئوری مذکور تحولات ادعائی را — مورد بررسی قرار دهند ، آنها رها کرده و با انتخاب الگوهای دیگر به بررسی " اصلاحات ارضی " روی آوردند . امروزه بسیاری براین باورند که با " اصلاحات ارضی " ، روند

کند تحولات فتودالی پایان یافته و جامعه ایران به جامعه سرمایه داری
مبدل شده است ، و بدین ترتیب مبارزه طبقاتی بر محور مبارزه بین پرولتا-
رها و بورژوازی دور میزند .^۵ براین منوال است که اینان بدین نتیجه
میرسند که مسئله ارضی بطور کلی در ایران از بین رفته و جنبش دهقانی
را نباید اساسا در کادر یک جنبش انقلابی گنجانید .

باید گفت که این برداشت آشکارا با واقعیت عینی در تضاد است .
با اعتقاد ما " اصلاحات ارضی " به تضاد میان سلطه امپریالیسم و سلطه
فتودالیسم پایان بخشد و شواهد مساعدی را برای بسط و گسترش سلطه
سرمایه داری وابسته و بوروکراتیک در روستا بوجود آورد . با این برداشت
از " اصلاحات ارضی " است که ما معتقدیم مسئله ارضی در ایران حل نشده
و تنها شکل آن تغییر کرده است . بنا براین جنبش دهقانی به مثابه
جنبش ضد فتودالی - ضد امپریالیستی ، بیشتر به مبارزه ضد امپریا-
لیستی مبدل گردیده است . در حقیقت با اصطلاح " انقلاب سفید " نه
تنها دردی از دردهای اکثریت قاطع روستائیان را دوا نکرد ، بلکه
در مقیاس وسیع ، تضاد رعیت و ارباب را در تضاد دهقانان با
بورژوازی و مائین سرکوب کننده دولت جمع کرد ، بدین ترتیب با شدت
بخشیدن باین تضاد و آنکا و ترک کردن آن ، دهقانان را در امر شناخت
دشمن واقعی و ماهیت آن کمک نکرد . تضاد شدید بخش عمده ای
از دهقانان با گارد جنگها و مراعات که بورژوازی برای حفظ جنگها و
مراعات بوجود آورده (جنگها و مراعاتی که برای آن با اصطلاح " ملی "

شده اند که زمینه برای ورود سرمایه وابسته فراهم شود ، که جیب يك مشت پنبه را پرتو کند) ، تضاد يكه بکرات به برخورد های سلحانه هم کشیده شده ، همین تضاد عمیق دهقانان با ماشین دولتی وابسته به امپریالیسم است * (۴۰ ص ۰ ت ۰ د ۰ ۱۰ د ۰ ۱۰ د ۰ ۲۰)

در حقیقت با استقرار سلطه امپریالیسم ، مسئله ارضی در ایران از يك مسئله مربوط به انقلاب دمکراتیک يك مسئله انقلاب دمکراتیک نوین مهمل گردیده است و این مسئله را تنها در رابطه با سلطه امپریالیسم و در جریان قطع این سلطه میتوان حل نمود . بدین ترتیب با این دورک از مسئله ارضی است که مکان و جایگاه واقعی جنبش انقلابی دهقانی میتواند به دوستی ارزیابی گردد . مبارزه بخش عظیمی از توده ها روستائی (پرولتاریا ، نیمه پرولتاریا و خرده مالکین) بر علیه زمینداران بزرگ ، بوروکراسی فاسد ، شاخه های مالی بوروکراسی وابسته و رباخواران بزرگ باید دقیقاً پمپا به بخشی از مبارزه جنبش ضد امپریالیستی خلق در نظر گرفته شود . بدین جهت است که مسئله ارضی و جنبش دهقانی یکی از مسائل اساسی انقلاب دمکراتیک نوین محسوب شده و پيشاهنگان پرولتری نیز باید با این امر توجه داشته باشند که دهقانان در شرایط کنونی یکی از نیروهای محرکه انقلاب دمکراتیک نوین میباشند و بدون بسیج این توده های وسیع روستائی ، امکان پیروزی انقلاب دمکراتیک نوین وجود ندارد .

ممکن است پرسیده شود که روش پرولتاریای انقلابی در برخورد با مسئله ارضی و جنبش دهقانی چگونه باید باشد ؟ آیا ملازمین تقسیم

خواهد شد ؟ آیا زمین بشکل اشتراکی اداره میگردد ؟ و یا اینکه
 کمرهای دهقانی برپا خواهد گشت ؟ و بنظر ما طرح مسئله باین
 شکل غلط است ، زیرا قبل از هر چیز باید باین نکته توجه داشت که -
 حل مسئله ارضی و تقش جنبش دهقانی دقیقاً بقطع سلطه امپریالیسم و بسط و
 گسترش جنگ انقلابی بنظر قطع این سلطه وابسته است . بدیهی است که
 برنامه منحصراً سیاسی مطرح میشود که این مسئله بعنوان موضوعی عملی و
 مشخص در دستور روز انقلاب قرار بگیرد . ولی آنچه که باید به شاهنگ پیرو
 لتری تا قبل از رسیدن باین نقطه از حرکت تکاملی جنگ انقلابی بسندان
 توجه کند این است که دقیقاً روشن سازد که کدام انتشار دهقانی
 متعین برولتاریا محسوب شده و از نیروهای ثابت قدم انقلاب هستند ،
 و کدام قشر از دهقانان نیروی متزلزل میباشند ، و همانا چگونه باید
 این نیروها را برای درهم شکستن دستگاه بوروکراسی و نظامی فاسد امپری-
 الیستی و طرح نفوذ شاخه های سلطه مالی بوروکراسی وابسته ، صادره
 املاک زمینداران بزرگ و دولت وابسته ، بسیج و متشکل نمود ؟

بنظر ما برولتاریای روستا ، نیمه برولتاریا و دهقانان خرده مالک
 آن نیروهای ثابت قدمی هستند که حاضرند بار اصلی انقلاب و مکرانیک
 نوین در روستا را بهوش بکشند . اینان متعین طبعی برولتاریای شهری
 محسوب میگردند . براین اساس است که ما معتقدیم شعارهای
 " زمین بکسانی که روی آن کار میکنند باید بطور رایگان تعلق بگیرد " و
 " لغو هرگونه ساج دولتی " از جمله شعارهای اساسی انقلاب پسرای

د دهقانان محسوب میگردند .

بعلاوه ، ضمن جنگ توده ای طو لانی پکریشته مسائل پیچیده مطرح میشوند که تنها در جریان عمل و با توجه بمسائل مبارزه ضد امپریالیستی و ملزومات جنگ انقلابی میتوان بآن پاسخ گفت . با این حال از هم اکنون يك نکته برای ما روشن است ، و آن اینکه ارگانی که اشکال مالکیت ارضی را معین میسازد ، يك ارگان دیکراتیک نوبن است . این ارگان همانا شوراهای مسلح انقلابی کاورگان — دهقانان وابسته به ارتش توده ای ، تحت رهبری پشاهانگ پوتلتری چگونگی اشکال مالکیت بر زمین و کار بر روی آن را تعیین مینماید و اقتصاد کشاورزی را سازمان داد ، و هدایت میکند . بدیهی است که ما خواهان آن شکل از مالکیت ارضی هستیم که ضمن ارتقاء موقعیت اقتصادی توده های روستائی ، زمینسه مادی مرتبه بهتری را برای بسط مبارزه طبقاتی توده ها در چارچوب جنگ انقلابی و تکامل انقلاب دیکراتیک نوبن با انقلاب سوسیالیستی را فراهم نماید .

در این مورد جنبشهای اخیر دهقانی نیز تجربیات گرانبھائی ارائه میکنند . مثلاً در تجربه شوراهای ترکمن صحرا يك سری تجربیات گرانقدر وجود دارد ، که نشاندهنده پرخش ظرایف عملی است . بعنوان نمونه دهقانان مبارز داوطلبانه عضویت شوراهای دهقانی را پذیرفتند و زمینهای خود را در اختیار شورا گذاشتند ، و با دربرخی مکانهای دیگر دهقانان پس از ایجاد شوراهای دهقانی تصمیم گرفتند زمینها را بطور

اشتراکی کشت نمایند .

۲ - مبارزه دهقانان پس از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی

در جریان اوچکیری جنبش انقلابی خلق ما در چند سال اخیر ، زمینکمان روستا وارد صحنه مبارزه انقلابی شده . آنان مستقلاً اقدام به تقسیم اراضی و یا باز پس گرفتن زمینهای غصب شده خود نمودند . در همه این درگیریها دولت جمهوری اسلامی در مقابل آنان قسراً گرفت و آنها خود را با مأمورین زانداوهری ، کمیته ها ، سپاه پاسداران و آخوند ها روبرو دیدند . نمونه زیر یکی از نمونه هائی است که میتواند شاخه حدی موفوع را بطور زنده نشان دهد : (۱۱)

زین دشت یکی از روستاهای فیروزکوه است . کشاورزان این منطقه که اغلب بی زمین اند ، تصمیم میگیرند ۱۰۰ هکتار از اراضی بایری را که امیری فیروزکوهی که از شاهان دهری دوره شاه و دوست نزدیک نصیری معدوم ، مالک آن شناخته میشود ، در اختیار خود بگیرند و بزرگ کشت ببرند . امیری فیروزکوهی علاوه بر این زمینها ، مالک درخت زارهای وسیع در این منطقه است . روستائیان تصمیم خود را باجرا میگذارند و متعاقب آن ، امیری فیروزکوهی بدادگاه شکایت میرد . دادگاه پساً میدانداری حاج عباس طاهری ، و داماد نصیری معدومها حمایت بدون رعایت الله کنی و پشوش حکم به باز پس گرفتن زمینها از روستائیان

و سبزیگان آن به " مالک شوی " ، یعنی امیری فیروزکوه می‌دهند .
 دهقانان حکم دادگاه را حکم پیدادگاه خواندند و آنرا ضد دهقانان
 نامیدند و حاضر به پذیرش آن نشدند . همکاری آیت الله کئی و پسرش
 با امیری فیروزکوهی سبب بسیج پاسداران برای سرکوبی کشاورزان منطقه
 شد . سپاه پاسداران یکی از کشاورزان را در حین کار دستگیر و به زیر
 دشت اعزام کرد . بقیه زاعین که در مسجد نشسته بودند ، توسط
 پاسداران محاصره شدند و از آنها خواسته شد که دستجمعی بمنزل
 امیری فیروزکوهی ببرند . زاعین مسجد را برای هرگونه مذاکره ای پیشنهاد
 کردند و از خود پاسداران دعوت نمودند که ناهار را در مسجد با
 آنها بخورند . اما پاسداران زاعین را با زور بمنزل امیری کشاندند
 و با تهدید خواستند که زاعین را مجبور کنند که به رای دادگسا
 فیروزکوهی که قبلاً صادر شده بود گردن نهند . مقاومت دهقانان در برابر
 حکم دادگاه سبب شد که پاسداران ۷ تن از آنان را به تهران اعزام
 دارند و با ایجاد محیط وحشت در منطقه ، کوشیدند که
 دهقانان را با اجرای حکم وادار کنند .

این نمونه بسیاری از جنبه های مبارزه دهقانان را در فردای ۲۲
 بهمن در خود نهفته دارد . دهقانان مستلاً دست به باز پس گرفتن
 زمینهای غصب شده می‌زنند ، معمولاً مالکین به کمیته ها شکایت میکنند و یا
 از طریق آخوندها اهالی ده را تحت فشار می‌گذارند و سرانجام مقاومت
 دهقانان منجر به خالت نیروهای انتظامی میگشت و با دسته های مسلح

بآنان حمله میکردند و باعث خسارات فراوان میشدند . دولت موقت
 آشکارا از مالکین بزرگ و بنادرکلی از وضع موجود حمایت میکرد . ماده سوم
 " قانون واگذاری و احیای اراضی ۰۰۰۰ که دولت موقت آنرا تنظیم
 کرده بود ، بخوبی جوهر سیاست آنرا نشان میدهد : " حقوق اشخاص
 به اراضی بایر ، امرا آنکه ناشی از احیای اراضی عقد و معاملات ، انتقال
 لات قهری و همچنین خالصجات و الاک یا تحت عنوان واگذاری اصلاحات
 ارضی باشد ، بر اساس قوانین موضوعه ، معتبر و لازم الیایه است " (۱۲)
 پس از گناره گیری دولت موقت و بهنگام ارجگیری جنبشهای دهقانی ،
 دولت جار و جنجالی بر سر تقسیم زمین برای انداخت و مدتی طبع رضای
 اصفهانی نقل محافل و مجالس شد . همان طبع نیز بالاخره سر و دم -
 بریده به مرحله اجراء گذارته شد . در اصلاحاتی که در این طبع انجام
 پذیرفت ، بار دیگر منافع بزرگ مالکین حفظ شد . این طبع یکبار در -
 ۱۱ / ۱۲ / ۵۹ بتصویب رسید . بعد مورد چون و چرا تراز و گرفت و پس از
 دیگر با تجدید نظر در تاریخ ۱ / ۱ / ۶۰ بتصویب رسید . تازه باز هم
 در اجرای تأخیر شد و بالاخره متن آن انتشار یافت . آنچه که در زیر
 میآید با نشان دادن تغییراتی که در لایحه انجام پذیرفت ، اهمیت
 طبع را افشاء میکند :

" از مهمترین تغییراتی که طی آن عقب نشینی در متن قانون ارضی
 جدید بوجود آمد ، یکی این بود که دولت بهای زمینهای مازاد بر

حد نصاب را که برای واگذاری به دهقانان بی زمین و کم زمین از ملاکان بزرگ میگردد ، بآنان پیوسته ، تغییر مهم دیگر اینکه مازاد بر حد نصاب اراضی بایر ملاکان بزرگ هر محل را بنا به تبصره (از ماده ۴ قانون در صورتی میتوانند بپوستانیان بی زمین و کم زمین واگذار کنند که مجریان قانون نخست اراضی بایر صادره شده و یا اراضی بایر و موات قابل آبادانی و واگذاری در آن محل و نزدیک آنرا بپوستانیان واگذار کرده باشند ، و چنانچه این قبیل اراضی برای صاحب زمین شدن همه پوستانیان کافی نباشد ، به واگذاری اراضی بایر مازاد بر حد نصاب ملاکان بزرگ پیوسته زند .

حد اکثر زمین بر طبق "قانون" نباید از ۳ برابر مقداری که در عرف محل برای تامین زندگی کشاورز و خانواده او لازم است تجاوز کند . صد البته اینها مواد "قانون" اند در فصلی همانگونه که در املاک حیات ارضی گفته هزار راه چاره پیدا شد ، اینجا نیز پیدا میشود . ولی همانطوریکه مشاهده میشود اساس طرح کنونی به تعدیل مالکیت بزرگ بر زمین آنها با دهها شرط و شروط قرار داده ، در نانی مسئله از بین بردن روابط موجود و دگرگون ساختن آن نیست ، بلکه گسترش هر چه بیشتر روابط کنونی است . خوب ، دهقانان زمین بایر را آباد میکنند ، چگونه ؟ با چه امکاناتی ؟ در اینجا سر و کله بانکها ، وامهای دولتی و از این قبیل عوامل پیدا میشود ، و این مسئله ارضی در ایران را حل نمیکند ، بهیچوجه نباید اینطور فکر کرد که فعلا رژیم

از نظر منافع اقتصادی نمیتواند دست به اصلاحات ارضی بزند ، مهم این است که ماهیت " اصلاحاتی " که میتواند انجام دهد ، چیست . اگر سیستم کنونی برقرار باشد ، یعنی سلطه امپریالیستی همجنان با هم جا بماند ، هر گونه اصلاحات ارضی باز هم نخواهد توانست مسئله ارضی را حل کند و بیشتر به رویه وابسته خدمت خواهد نمود . در هر صورت ، بعد از قریب یکسال فعالیت هیئت های ۲ هره (قاسم ل ۶۰) ۸۵۰۰۰ هکتار زمین به دهقانان کم زمین و روستائیان بی زمین واگذار گردید ، که از این مقدار ۵۰۰۰۰ هکتار آن از اراضی مسروبت بوده است .

مبارزه دهقانان بعد از ۲۲ بهمن دارای گسترش قابل ملاحظه ای بوده است . جنبش خلق ترکمن در درجه اول نمونه باوژی از اورجگیوری جنبش دهقانی است . پس از آن جنبش خلق کوره ، بخصوص در مراحل مقدماتی اش ، خود یکی دیگر از نمونه های جنبش دهقانی است . اما جنبش دهقانی محدود باین دو نمونه نمیشود ، مطالعات نشان میدهد که در تمام استانهای گیلان ، مازندران ، آذربایجان ، لرستان ، استان مرکزی ، سیستان و بلوچستان ، فارس ، کرمان ، ایلام ، کرمانشاهان ، خراسان و جنبشهای دهقانی وجود داشته . در این مبارزات دهقانان از نیرو های مختلف مبارزه استفاده کرده اند . در مقابل سپاه پاسداران و کمیته ها مقاومت نموده و حتی در مقابل سلاحيان

آتشین آنها با سنگ و چوب به قباله برخاستند و در برخی موارد موفق به
بیرون راندن آنها شدند . (نمره هائی در گیلان)

در بسیاری موارد دهقانان تشکیل شورا دادند ، شوراهای دهقانی
اکنون برای اکثریت قریب با اتفاق دهقانان شناخته شده است . خواسته های
اصلی دهقانان را میتوان بقرار زیر فهرست بندی کرد : اصلاحات
ارضی واقعی ، لغو بدهیهای قبلی ، لغو بهره مالکانه و حق آب ، داد
سند مالکیت پرستانه ، دریافت وامهای طول مدت بدون بهره ،
دریافت سهم دفع آفات کشاورزی ، بذره های اصلاح شده و کودهای شیمیایی
حفر کانالها و چاههای عمیق و لایروبی قنات و رودخانه ها ، حمایت
از کشاورزان تولید کننده از طریق جلوگیری از ورود محصولات کشاورزی مشابه
تثبیت قیمت محصولات کشاورزی ، تشکیل شوراهای واقعی ، احداث راه -
های حمل و نقل ، تأمین برق و بهداشت ، دستگیری و جازات خوانین
و مالکین و

از آنچه گفته شده ، چه نتایجی میتوان گرفت ؟ میتوان گفت
که مضمون اصلی مبارزه دهقانان انقلابی ، مبارزه بر علیه سلطه ارباب -
پالیتی و سرمایه وابسته است .

همانگونه که مشاهده میشود ، پرولتاریا و نیمه پرولتاریای روستا و
بخش عظیمی از دهقانان ، تحت استثمار سرمایه وابسته و دیگر روابط
استثمار قرار دارند و میتوانند از نیروهای ثابت قدم انقلاب محسوب
شوند . در مبارزه علیه سلطه ارباب پالیتی و رهائی از یوغ سرمایه ارباب -

بالبستی، آنان نیز از نیروهای محرکه انقلاب محسوب میشوند. • بنا
براین، حل مسئله ارضی در روستا و سازماندهی تولید، چنان باشد
همیشه بود که باعث ارتقاء موقعیت اقتصادی و سیاسی روستاییان و
دعوتانان تهیدست و خودمها گردد.

بنظر ما دعوتانان در انقلاب ایران نقش مهمی دارند. •
بدون شوکت آنان در انقلاب و بدون قبول گمرنی روستاییان از جانب
آنان، انقلاب دیکتاتیک نباشد در ایران به پیروزی نخواهد رسید. •
دوست بهمن دلیل است که در انقلاب ما مسئله ارضی، جنبش
دعوتانی و رابطه روستاییان و دعوتانان، از اهمیت فوق العاده ای برخوردار
است.

فصل چهارم

خرده بوروازی شهری

خرده بوروازی در شهر ، از اقشار بسیار متنوعی تشکیل شده است که در حوزه های تولید ، توزیع و آنچه که بنام خدمات معروف است ، حضور دارد . گویبندی اقشار متنوع خرده بوروازی شهری همان است که در مورد دهقانان ذکر شد :

خرده بوروازی تهیدست : این دسته از خرده بوروازی معاشی خود را به سختی تامین میکند و درآمدشان کفاف زندگی عادی شان را نمیدهد . دستفروشان ، دکه داران ، کارندان دین پایه دولتی ، برخی از مغازه داران ، کارگران بازار و جز این دسته محسوب میگرددند . خرده بوروازی تهیدست شهر از نظر وضع زندگی ، نزدیکی زیادی با بولتاها دارد .

خرده بوروازی میانه حال : اینان کسانی هستند که میتوانند بهر لحظه که شده ، معیشت خود را تامین کنند . گروه وسیعی از کارندان دولت ، برخی از مغازه داران و جز این گروه

محبوب میشوند .

خریده پوروازی موزه : اینان مرکب از کسانی هستند که نه تنها معیشت خود را تأمین میکنند ، بلکه دارای درآمد اضافی نیز هستند . معمولا با سرمایه کوچک خود در برخی از حوزه های تولید و با توزیع و با خدمات عمل میکنند . دارندگان کارگاههای کوچک ، برخی از کارمندان دولت ، برخی از مغازه داران ، و . . . جز این گروه محبوب میشوند .

واقعیات عینی نشان میدهد که بخش وسیعی از خرده پوروازی شهری (تهیدست و میانه) ، در انقلاب بورژوا دیکراتیک نوین شرکت میکنند و جزو دوستان انقلاب محبوب میگردند . بنابراین ، طبقه کارگر باید با بسیج و سازماندهی زحماتشان بوستا و خرده پوروازی شهری انقلابی ، بر علیه امپریالیستها ، پوروازی وابسته ، مالکین و خانهای بزرگ و خلاصه همه نیکران ایرانی امپریالیستها مبارزه نموده و با قطع سلطه امپریالیسم ، جمهوری دیکراتیک خلق را مستقر سازد .

بخش دوم

فصل اول

اوضاع کنونی جنبش کمونیستی ایران

در شرایط کنونی، جنبش کمونیستی ایران در وضع اسف باری قرار دارد. جنبش کمونیستی ایران همچنان در زیر سلطه اپرترنیم بدست و با زدن مشغول است و آنقدر ناتوان گشته که کم کم دارد به عنوان یک نیروی مخالف جدی از ذهن توده ها بیرون میرود.

مشی نادرست گاه خائنانه برخی از سازمانها که قبلا تحت عنوان نیروهای کمونیستی شناخته میشدند، ضربات جانکاهی بر پرچم جنبش فرود آورده است. سازمان "اکثریت" خائن جنبش خلقی کرد را تخطئه کرد، جنبش خلقی ترکمن را بنکست کشانید و اعضاء و هواداران خود را در کارخانه ها، روستا ها، مدارس و خلاصه در تمام حوزه های فعالیت اجتماعی به صورت جاسوسان کنفی درآورد که وظیفه اصلی شان تعقیب و پیگرد عناصر انقلابی و دفاع از منافع امپریالیزم است. دیگر گروهها با انتخاب کار صرف روشنگری (سیاسی) در دین کارخانه ها

و در سطح جامعه بعنوان تمامی فعالیتهای خود نشان دادند که در
 لحظات قطعی و بحرانی ، در ایفای کمترین نقشها توانند *

در حقیقت ارزیابی يك سازمان و يك جنبش، ارزیابی عملکرد سازمان
 مفروض جنبش در شرایط مشخص است . وقتی توده‌ها در تجربه خود
 درمی‌یابند که این سازمانها درست در گره‌گاههای مهمی قسا در
 به ایفای نقش انقلابی و موثری نیستند ، ملما اعتماد و اطمینانی نسبت
 بآنها پیدا نخواهند کرد . عدم درك درست از سیر و تاریخ اجتماعی
 و در نتیجه عدم آمادگی برای ایفای نقش انقلابی ، شبهه کار نادرست ،
 و سازماندهی نامتناسب با شرایط اجتماعی و رهنمود های غلط ، که
 هکی تا حدودی بر پستردم وجود رادیکالیسم انقلابی عملکرد داشتند ،
 باعث شد که این گروهها نتوانند مبارزات توده‌ها را حتی يك گام
 ارزنده به جلو سوق دهند و خود متحمل ضربات سختی شده و از انجام
 هرگونه وظیفه انقلابی ، حتی در سطح محدود آن ، بازماندند (۱۳) .
 در شرایطی که توده‌ها آماده مبارزه بودند آنان از ایفای نقش پیشا
 هکی عاجز گردیدند و بر همین پستربود که جریانات غیر پرولتری
 در ذهن توده‌ها تاثیر گذاری کرده و خود را در ایجاد نسبتا وسیعی
 بآنان تحمیل نمودند و با برق و کونا خود را بعنوان " تنها آلترناتیو"
 جنبش مطرح ساختند . در حالیکه این سازمانها در انقلاب حاضر
 هرگونه رسالتی در اسر رهبری و تعمیق انقلاب نداشته ، و ضرورتا بیا
 باید تحت رهبری پرولتاریا قرار بگیرند یا بدنباله وی از -

سیاستهای امپریالیستی کشیده شوند *

بدون شك ، خطر وضعیت کنونی برای جنبش چپ ، اگرچه از هم اکنون بوضوح آشکار است ، در آینده باز هم صد چندان بیشتر خواهد بود . در نتیجه سلطه اپورتونیزم بر جنبش کمونیستی است که اعتراضات توده ای و مبارزه آنان بر علیه حاکمیت امپریالیستی در عده موارد - و در تمام موارد اساسی - بدون نتیجه مانده و تنها در این میان مبارزه خلق کرد است که هنوز هم با تحمل این همه کشتار و ویرانی و پسا - دست یازیدن به مالیتین شکل مبارزه ، یعنی مبارزه مسلحانه ، در صحنه مبارزه سیاسی حضور فعال خود را حفظ کرده است ، اگرچه برای کمونیستها از پیش معلوم است که اگر رهبری این جنبش - قدرت طبقه کارگر و نمایندگان آن نباشد ، سرانجامی جز شکست نخواهد داشت .

فصل دوم

استراتژی و تاکتیک انقلاب ایران

ما در جامعه‌ای زندگی و مبارزه میکنیم که تضاد اصلی آنرا تضاد بین خلق و امپریالیسم تشکیل میدهد .

در یکسو امپریالیسم با تکیه بر نیروی تهر خد انقلابی ... که منتج از قدرت اقتصادی جهانی او میباشد ... قرار دارد که توانسته است صد ها هزار نفر را در ارتش ، سپاه ، پلیس ، ساراجا ، شهرهای ، زانداپ ، مری و ... متشکل نموده تا بولیه توده ها بکار گیرد ، و در دیگر سو توده های استعمار شده ای را میبایم که آمادگی بدوش کشیدن بار سنگین انقلاب و مبارزه بر علیه سلطه امپریالیستی را دارا هستند . توده ... هائیکه تحت شرایط سرکوب قهرآمیز امپریالیستی ، امکان هرگونه تشکل صرفا سیاسی را از دست داده اند ، در حالیکه هم ضرورت و هم امکان مبارزه برای برانداختن سلطه امپریالیستی و استقرار جامعه دموکراتیک نوین قریبا وجود دارد ، مبارزه ای که ضرورت های تکامل تاریخی ،

پروزی محتوم آنها تضمین کرده اند . با توجه باین واقعیت ، بایستی شیوه عمل و اشکال سازمان را بگونه ای مشخص نمود که بتوان بر اهداف این مرحله از انقلاب دست یافت .

این درست است که مسئله حیاتی هر مبارزه انقلابی کمونیستی ، آگاه و متشکل نمودن توده هاست ، و هرگاه که آگاهی انقلابی توده ها را فرا گیرد ، بر زمینه شرایط مادی توده ها ، بیک نیروی مادی عظیم تبدیل خواهد شد . تنها نیرویی که قادر است جامعه را دگرگون کند . اما همیشه مسئله این بوده که ، این آگاهی چگونه باید به میان توده ها برده شود ، چه سازمانها و وساطتی باید این آگاهی را به میان توده ها ببرند ، و از طریق کدام اشکال سازمانی و اتخاذ چه شیوه هایی از مبارزه میتوان انرژی انقلابی توده ها را در مسیری که به پروزی انقلاب ، بسر تگونی ارتجاع ، بتصرف قدرت سیاسی منجر میشود ، انناخت و هدایت کرد ؟ (م . م . ه . ا . ه . ت .)

بدون آگاهی از قوانین حاکم بر روند این مبارزه ، وبدون آگاهی از اهدافی که این مبارزه دنبال میکند ، ما نخواهیم توانست با اشکال متناسبی از سازمان و عمل انقلابی دست یابیم ، که بعنوان وسیله ای کار ساز در واگزینی نظام موجود و آفرینش رشد یابنده نظام مطلوب ، بکار گرفته شود . با اعتقاد ما تنها شکلی از عملی که میتواند با اهداف این مرحله از انقلاب دست یابد ، مبارزه مسلحانه و تنها شکل سازمان مازمان سیاسی - نظامی است .

جنگ انقلابی نه تنها از نقطه نظر استراتژی نظامی ، برای در فهم شکستن ارتش امپریالیستی ، بلکه از نظر استراتژی سیاسی ، یعنی آگاه و متشکل کردن توده ها برای تسخیر قدرت سیاسی و ادامه انقلاب نیز ، اهمیت پیدا میکند . جنگ انقلابی را هیچگاه نمیتوان بدون در نظر گرفتن رابطه ارگانیک امر سیاسی و امر نظامی و با عبارت دیگر ، استراتژی دوگانه آن ، تصور نمود . " از یکطرف شرط پیروزی مبارزه مسلحانه بسیج توده هاست - چه از نظر سیاسی و چه از نظر نظامی - و از طرف دیگر بسیج توده ها جز از راه مبارزه مسلحانه امکان پذیر نیست " (م.م.د.ا.د.ت.)

از یکسو مبارزه مسلحانه اهداف سیاسی معینی را دنبال میکند ، که دست یافتن بآن جز از راه جلب حمایت توده ها سکه خود مسئله حیاتی انقلاب را تشکیل میدهد - امکان پذیر نیست ، و بدین منظور انجام دادن کار ماهیتا سیاسی الزامی است . ولی از طرف دیگر ، جز از راه مبارزه مسلحانه نمیتوان به جلب حمایت مادی و معنوی توده ها نایل شد ، و جز از راه برپائی و گسترش جنگ انقلابی که در برودت رشد و گسترش خود در ابعاد وسیعتر و با ارتش انقلابی خلق انجام خواهد گرفت ، نمیتوان به اهداف سیاسی که ما با براندازی سلطه امپریالیستی و استقرار جامعه دمکراتیک نوین است ، دست یافت .

با توجه به موارد فوق است که مبارزه مسلحانه طولانی بنابر ما ، پیروزند انقلاب و استراتژی این مرحله از انقلاب مطرح میشود . در جریان

جنگ دراز مدت است ، که انری انقلابی توده ها بعد پنج وارد میدان
 میرد میشود . طبقه کارگر ، در روند رشد همین جنگ انقلابی است که
 خود آگاهی کسب کرده و سازمان میابد و قادر میشود که نقش تاریخی و
 دوران ساز خود را با تامین همبستگی خویش ایفاء کرده و پیروزی انقلاب را
 تضمین نماید و آنرا بیست انقلاب سوسیالیستی سوق دهد .

به عقاید و خرده پیرو و ازی شهری نیز که از ستم و استکبار
 امپریالیستی شدت رنج میبرد و طعم تلخ استبداد و سرکوب را تا مغز
 استخوان چشیده اند ، بنا بر شرایط مادی زیست خود حاضرند
 در بدوش کشیدن بار سنگین انقلاب ضد امپریالیستی ، بعنوان متحدین
 بولتاریا عمل نموده و فراتر نموده ای که اساسا در روستا پا گرفته و به
 گسترش صفوف خود میرد ازده تحت رهبری طبقه کارگر و پیراهنگان پرو-
 لتاریائی متشکل میشوند .

بدون حضور فعال طبقه کارگر ، بدون رهبری این مبارزه از سوی پیراه-
 نگ مارکسیست سلطنتیست و بدون سازماندهی زحمتکشان روستا از سوی
 پیراهنگ بولتاری ، نمیتوان سخنی از پیروزی انقلاب بهمان آورد . انقلاب
 بیکه " . . . در خود انقلاب شکل میگیرد ، و حقیقت این است که
 حتی انقلاب در طبی انقلاب ، در جریان عمل مسلحانه ، دچار انقلاب
 میشود . انقلابی که با توده ای ترین و عامترین اهداف آغاز شده ، در
 جهان این مبارزه آشتی ناپذیر با طول به انقلاب بهترین تاکتیکها ، به
 انقلاب بهترین اهداف نیز میرسد . توده ها در جریان این مبارزه سخت

و طولانی تحت رهبری پيشاهنگ بهولتاریائی پیش از پیش بهولتاریزه میشوند .
 پیش از پیش به رهبری خود ایمان میآورند ، مبارزه با امپریالیسم بهارزه با
 سرمایه داری مبدل میشود . مبارزه با سلب مالکیت امپریالیستی ، به سلب
 مالکیت سوسیالیستی مبدل میشود . (۴۰۰ م . ۱۰۰ ه . ۱۰۰ ت)
 جنگ انقلابی از لحاظ استراتژیک ، مراحل کیفی متفاوتی را طی میکند
 که بر حسب این مراحل استراتژیک ، هر سیستم تاکتیکهای آن نیز تغییرات
 کیفی حادث خواهد گردید .

در جنگ حفظ و گسترش نیروی خودی و نابودی نیروی دشمن ، اصل
 اساسی است که در جنگ انقلابی بر علیه سلطه امپریالیستی نیز این اصل
 کماکان صادق خواهد بود . در اینجا نیروی انقلابی با اتکاء به نیروی —
 سلاح که با آگاهی به هدفندی جنگ همراه است ، خود را حفظ میکند
 و صفوف خود را گسترش میدهد و بنقد سلطه امپریالیسم و
 دست نشاندهگان آن میپردازد و در روند تحقق استراتژیک جنگ طولانی
 است که مبارزه مسلحانه به تدریج تاکتیک اساسی ، جایگاه ویژه ای را بخود
 اختصاص میدهد که همه و هرگونه تاکتیکهای دیگر ، در همونوسی و بر
 پوتو آن است که میتواند ضروری و سودمند افتد . بدین کار بست مبارزه .
 مسلحانه بعنوان تاکتیک اساسی ، تحقق این استراتژی امری معال
 خواهد بود و نتیجتاً هرکاری در محدوده تنگ خورده کاری باقی می
 خواهد ماند .

فصل سوم

وظایف اساسی تاکتیکی

اکنون با روشن بودن استراتژی این مرحله از انقلاب ایران ، باید دید که چه وظایف تاکتیکی معینی در برابر جنبش کمونیستی ایران قرار میگیرد و چه گامهای عملی میتوان در جهت تحقق آن بردارد .

مدت پنج سال است که خلق قهرمان کرد بوطیه رژیم وابسته پامیرا - لیسم جمهوری اسلامی مبارزه مسلحانه میکند ما طی این مدت شاهد یورشهای ددمنشانه مزدوران امپریالیسم پکریستان و مقاومت توده های زحمتکش و روشنفکران انقلابی ، در برابر این تهاجم گسترده بوده ایم .
بدون انحراف^{جنبش} خلقی کرد هیچگاه تا این اندازه عمق و وسعت نداشته است .
در شرایط حاضر که سایه شوم سربیزه در همه جای ایران برسر توده های مردم سنگینی میکند ، مبارزه مسلحانه خلقی کرد بنقطه امید و انگیزه مبارزه ، ضد امپریالیستی خلقهای ما مبدل شده است . و رژیم مزدور جمهوری اسلامی هنوز نتوانسته است ملطه خود را بر سراسر کردستان پسادهد

و هر جا هم که بظاهر نیروهای سرکوبگر خود را مستقر نموده، باز هم نتوانسته از ضربات فرساینده، پیشمرگان قهرمان کردستان در امان بماند و مهتر آنکه موافق پایتاد روحیه یاس و سرخوردگی در توده ها نگزیده است. کردستان در شرایط کنونی، به دلیل جایگاهی که در مبارزه ضد امپریالیستی خلیجهای میهنان اشغال کرده است، بایستی پیش از پیش مورد توجه نیروهای جنبش کمونیستی قرار بگیرد، اهمیت و نقش آن هر سر نوشت مبارزاتی مراسم ایران باید بدرستی ارزیابی گردد. نقاط ضعف و قوت آن باید عیناً مورد توجه قرار بگیرند. بدون درک تضادهای درونی و نقاط ضعف و قوت جنبش خلق کرد، نمیتوان بوظایف پيشاهنگی خود در این نقطه از میهنان بدرستی عمل کرد.

ضعف عمده، جنبش مسلحانه، خلق کرد در شرایط حاضر، نبود رهبری پرولتری آن است. بدون شك آنچه که ما میخواهیم این است که خلق کرد از زیر نفوذ رهبری غیر پرولتری بیرون بیاید و تحت رهبری پرولتری که این رهبری برای حفظ و تداوم يك جنگ انقلابی علیه سلطه امپریالیستی لازم بوده و از شروط اساسی رهائی خلیجهای ایران از جبهه خلق کرد است، قرار گیرد. اما این امر بسادگی امکانپذیر نیست. باید شرایط مادی لازم برای این تحولات آماده شود. امروزه شرط آنکه جنبش کمونیستی بتواند تسلط ایدئولوژیک و سیاسی بر جنبش خلق کرده بدست آورد، این است که دارای قدرت سیاسی و نظامی موثری بوده و بعنوان يك نیروی جدی و فعال سیاسی در کل جامعه شناخته شده باشد. جنبش کمونیستی

تنها با گسترش جنگ انقلابی و متناظر با آن ، با وارد کردن سیاست
پرولتاری جنگ رها نیبخش ملی در پراتیک مبارزاتی خلق کرد است کسسه
میتواند رهبری این مبارزه را در دست بگیرد و آن را همگام با مبارزه ضد
امپریالیستی خلقهای دیگر ایران ، بجلوسوق دهد . با گسترش جنگ
انقلابی ، ضمن آنکه اتحاد و همبستگی جنبش خلقی کرد بمثابة بخشی از
جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای سراسر ایران ، با مبارزات
دیگر خلقهای میهنان تامین میگردد ، بلکه همچنین این امر همه گونه
امکانات ، چه مادی و چه معنوی ، چه سیاسی و چه نظامی ، بسرای
تعمیق و گسترش انقلاب و پیروزی محتوم آنرا فراهم میسازد .

بنظر ما گشودن يك و یا چند جبهه جدید جنگ چریکی روستائی
به علیه رژیم وابسته با امپریالیسم جمهوری اسلامی هر جا که امکان دارد ،
چه از نظر سیاسی و چه از نظر نظامی ، چه از نظر استراتژی و چه
از نظر تاکتیکسی ، دارای اهمیت فوق العاده زیادی است . از نظر
استراتژی ، وجود و دوام يك جبهه جنگ چریکی روستائی بمعنی برپائی
و گسترش جنگ انقلابی (انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک) است ، و از
نظر نظامی گشودن يك جبهه جدید ، باعث برانگیزه شدن هر چه بیشتر
قوای دشمن میگردد . زیرا در شرایطی که دشمن عملاً درگیر جنگ با خلق
گردد است ، و در شرایطی که صدها هزارتن از نیروهای خود را در جنگ
با رژیم وابسته با امپریالیسم حاکم بر عراق مشغول نموده است ، و در شرایطی
که دشمن بواسطه وجود اعتراضات توده های شهری و عملیات نظامی

برخی از گروهها و سازمانهای سیاسی در شهر، و با توجه به خطر بالقوه همیشگی آنها مجبور به تمرکز نیروی وسیعی در شهرها میباشد. گشودن جبهه چریکی روستائی، عملاً باعث پراکنده شدن مرحله پیشتر نیروی دشمن و بالا رفتن ضرب آسب پذیری آن خواهد بود. زیرا طبق موازن جنگ دشمن برای مبارزه با نیروهای مسلح انقلابی، مجبور است که نیروی خود را در مناطق مورد نظر تقسیم نماید.

از نظر سیاسی تنها با تبلیغ و ترویج پراتیک انقلابی موثری است که میتوان توده ها را وارد در آن پروسه کرد که رشد و گسترش آن منجر به قطع سلطه امپریالیسم و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق شود. در عرصه سیاست انقلابی، هر دعوت انقلابی با اقدام مشخص انقلابی بساید همراه باشد. پس در چه پروسه ای میتوان کارگران، دهقانان و خرده پروسه وازی شهری را سازمان داد؟ دهقانان از همان آغاز جنبش خلقمان در چند سال گذشته، از کمک موثر پیشروان انقلابی محروم بودند. علیهم السلام جنبش دهقانی، هیچ سازمانی در فکر رهبری قاطع این جنبش بر نیامده آغاز جنگ در یک منطقه مناسب، زمینه های لازم را برای بسیج و سازماندهی موثر نیروی عظیم زحمتکشان روستا فراهم خواهد ساخت.

علاوه بر آنچه که آمد، آغاز جنگ انقلابی در یک منطقه مناسب روستائی، نه تنها در برپاداری کارگران و بخشهای انقلابی دهقانان و خرده پروسه وازی شهری، و سازمان یابی آنها موثر است، بلکه در وضعیت سیاسی کل جامعه نیز اثرگذاری موثری خواهد داشت و در

تشدید جو انقلابی نقش بسیار مهمی ایفاء خواهد نمود .
 ایجاد گنجینه جدید ، از نظر نظامی دشمن را پراکنده میسازد و از
 نظر سیاسی در وضعیت عمومی جامعه تاثیر میگذرد و در تجربه به یکا یک
 خلقها نشان خواهد داد که تا چه اندازه سرکوت او با دیگر خلقهای
 ایران پیوند خورده است . بشرط وجود و پیگیری یک پشاهنگ واقعا
 انقلابی در روند مبارزه ضد امپریالیستی خلقهای ما ، عناصر لازم برای
 تأمین هژمونی دولتی در جنبش انقلابی بظهور رسیده و بسویست رشد
 خواهد نمود .

گشایش جبهه های جنگ انقلابی بر علیه رژیم وابسته با امپریالیسم جمهوری
 اسلامی از این زاویه نیز اهمیت فوق العاده ای دارد که میتوان توضیح
 داد : از آنجا که در چارچوب تحت سلطنتی امکان تحقق هیچگونه
 برنامه انقلابی وجود ندارد ، و اجرای هرگونه برنامه انقلابی مستلزم
 یک آوردن قدرت سیاسی است و نیز روند جنگ انقلابی ، روندی دراز مدت
 است که نیروی انقلاب نه یکباره ، بلکه بتدریج به در هم شکستن ماشین
 دولتی وابسته با امپریالیسم ناقل میشود ، و انقلاب نیز نه یکباره ، بلکه به
 تدریج بر مواضع قدرت سیاسی دست مییابد ، اهمیت گشایش جبهه های
 جنگ که در رند خود قادر به آزاد کردن مناطق و تبدیل آنها به مناطق
 سرخ (۱۲) میشود ، — یعنی علا قدرت سیاسی در آن منطقه بدست
 نیروی انقلاب میافتد — پهنی آشکار میگردد .

با توجه به توضیحات فوق است که ما وظیفه اساسی نیروهای جنبش

کمونیستی را در پریائی و گسترش جنگ انقلابی ، یعنی : حضور فعال در مبارزه ، مسلحانه خلق کرد و گشایش جبهه های دیگر جنگ میدانیم ، که این نیروها باید با توجه با امکانات نظامی دشمن ، امکانات تکنیکی و تاکتیکی نیروی خودی ، شرایط اجتماعی و اقتصادی مردم و شرایط جغرافیائی ، در آن جهت گام بردارند .

و اما گشایش جبهه جنگ روستائی یگانه وظیفه برای نیروهای انقلابی نیست . تنها يك ذهن ساده میتواند که از تاکید و تأیید و اهمیت ملا يك تأکید معین ، انکار و عدم اهمیت تاکتیکهای دیگر را نتیجه بگیرد . اما منظور از تاکید بر نقش روستا و جنگ چریکی روستائی همان اهمیت استراتژیک و تاکتیکی آن ، این است که در جمیع فعالیتهای انقلابی ، این جز از فعالیت ما دارای نقش تعیین کننده و مؤثر در تحقق اهداف انقلابی میباشد . بنابراین از آنچه که درباره ضرورت جنگ چریکی در جبهه روستائی بیان شد ، ضرورت جنگ چریکی در شهر نمی نشود . بدون شك هر جا که توده های وسیع مردم حضور دارند همه آنجا عرصه جنگ انقلابی نیز هست . مسئله بر سر چگونگی گسترش جنگ و اهمیت و نقش هر یک از این جبهه هاست . تحلیل از اوضاع مشخص و تجربه انقلابی سراسر جهان و از جمله تجربه مبارزه مسلحانه در خود ایران نشان میدهد که جنگ چریکی در شهر تا حد معینی میتواند رشد و گسترش یابد و هیچگاه جنگ شهری مستقلا نمیتواند ارتش مستبدین امپریالیستی را شکست دهد و قدرت سیاسی را کسب نماید . در شرایط

میهن ما جنگ چریکی شهری هم از نظر سیاسی و هم از نقطه نظر نظامی دارای اهمیت بسیار است ، و نقش میهن را در پیشبرد جنگ تعیین کند . ای که اساسا در مناطق روستائی جریان دارد ، ایفاء میکند نیروی که شهرهای بزرگ بعنوان مکانی اجتماعی با ترکیب طبقاتی مشخص آنها ، مراکز ارگانهای اقتصادی ، سیاسی و نظامی امپریالیستها و نوکران ایرانی شان نیز میباشد . چریک شهر با ضربه زدن و مختل کردن کارکرد های منظم این ارگانها به چریک روستا کمک میکند تا در موقعیتی بهتر بتواند جنگ انقلابی خود را به پیش برد . سازمان سیاسی - نظامی در شهرها با پیچ آن بخش از طبقات خلقی که در این مکانها ، حضور دارند ، و با همسو نمودن تمامی اشکال مبارزه آنان با اهداف استراتژیک جنگ انقلابی ، نیروی دشمن را تضعیف نموده و هرچه بیشتر باعث تقویت و گسترش جنگ انقلابی میگردد .

بدین معنی شهر نقش هشت وجهه ، سیاسی و نظامی روستا را نیز ایفاء میکند . جنگ چریکی شهری و جنگ چریکی در روستا ، در پیست ارتباط دیاکتیکی با یکدیگر میتوانند با اهداف و نتایج مطلوب کل جنگ انقلابی دست یابند . پیشرفت هر یک دیگری را تقویت میکند . از این گدشته ، تمییزات جنگ چریکی در سراسر جهان نشان میدهد که پیشرفت جنگ چریکی در روستا به حمایت فعال شهر نیازمند است ، بدون حمایت سیاسی - نظامی شهر و کار سیاسی - نظامی چریک شهر ، چنانکه چریکی در روستا نمیتواند به پیروزی دست یابد ، و سرانجام

شکست خواهد خورد و ضمن آنکه باید یاد آوری نمود که جنگ چریکی در روستا اگر از فعالیت و حمایت شهر درآیند قابل پیش بینی مطمئن باشد و میتواند آغاز گردد.

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادیست!
 زنده باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی
 بوقرار باد جمهوری دگراتیک خائن
 بهر جمهوری طبقه کارگر

با ایمان به پیروزی راجمان

چریکهای فدائی خلق ایران (ارتش رهاییبخش خلقهای ایران)

تهران ۱۳۶۲

توضیحات

البته این نکته را باید یاد داشت که نفوذ رژیم جمهوری اسلام می هیچگاه در حدی نبود که تحت تاثیر تبلیغات رژیم و اپورتونیستهای تصور در میآید. در همان ابتدای روی کار آمدن رژیم نیز گروههای ملیونسی بر علیه آن بودند. جنبش خلق کورد، جنبش خلق عرب و جنبش خلق ترکمن از نمونه های برجسته ای هستند که ادعای پالا را ثابت میکنند. غیر از این، جنبش پر دانه کارگران در شهرها و دهقانان در روستاها نشان میدهند که جنبش خلق از چه دامنه وسیعی برخوردار است. معذالک رژیم با استفاده از شبکه سازمان روحانیون و نهادهائی چون مسجد، نماز جمعه و استفاده از قدرت دولتی و حمله های شناخته شده تبلیغات امپریالیستی، و همچنین، نمایش سازمان یافته هواداران خود، در شرایطی که نیروهای انقلابی از چنین امکاناتی برخوردار نبودند، این توهم را بوجود میآورد که انگار از حمایت اکثریت وسیع جامعه برخوردار است و فقط يك درصد مخالف دارد. در این میان برخی از سازمانهای اپورتونیست نیز باین توهمات دامن میزدند.

۲- تحلیل ذهنیت کارگران و پراتیک آنها در مبارزات اخیر، حاوی نکات بسیار مهمی است. کارگران خواهان دولتی هستند که زمینه هرچه عالیتری را برای بسط مبارزه طبقاتی آنان فراهم نماید.

۳- پیماز روی کار آمدن رژیم کمونی، کارگران کارخانه های مختلف تحت تاثیر جو عمومی سیاسی و تشویق برخی از گروهها و سازمانها، دست بانتشار جزوای زدند که در آن گونه های از زندگی و مسائل کارگری مطرح میشد و تعداد این نشریات نسبتا زیاد بود. از مطالعه این مجموعه میتوان تصویر نسبتا کاملی از شرایط عینی زندگی و مبارزه و خواسته های کارگران بدست آورد. در این نشریات فاکت های گوناگونی از جنبه های مختلف مبارزه کارگران درج شده است مثلا در یکی از کارخانه ها هنگام اعتصاب، یکی از نمایندگان کارگران بوسیله جنای داران مضر شد. بدستور گفته هیچک از بیمارستانهای شهر حاضر نشدند او را معالجه نمایند. و یا در جریان اعتصاب "فاستروید" يك کارگر سخنران بوسیله جنای مجروح شد و هنگامیکه کارگران قصد تهیه جنای دار را می کنند، پاسداران بدفاع از جنای دار برمیخیزند. نشریه "افکاران جنوب شماره ۳" با فاکت های مشخص نشان میدهد که چگونه عناصر مزدور ضد کارگری دیروزی، به ناصب عالیتری دست یافته اند.

۴- تنها صنعتی که در ایران نحوه کارکرد های آن قدرت اثر گذاری بر کارکرد های همه بخشهای مختلف صنایع را دارد، صنعت نفت است. دامنه این تاثیر گذاری در تمام سطح زندگی اجتماعی

کنوده میشود . پس جهت اینست که از جانبی که کوشش میشود تا کارگران و کارمندان صنعت نفت از مزایا و امتیازاتی برخوردار باشند که دیگر کارگران از آن محروم اند . اختصاص حقوقهای کسان به عده ای از کارگران به برخورداری از ممکن و وجود سیستم گریزند . (۱ - درجه بندی سلسله میراث) ، و شرط و شروط ارتقاء . از جمله تدابیری است که گردانندگان امور برای کنترل جنبش این بخش از طبقه کارگران اتخاذ کرده اند .

۵- در بسیاری از کشورهای صنعتی ، به خصوص کشورهای اروپایی که تاریخ مبارزه طبقه کارگر آن برای روشنگران مارکسیست - لنینیست ایرانی بیشتر شناخته شده است ، همواره مشاهده میکنیم که بخشی از طبقه کارگر پیشاهنگ بخشهای دیگر میگردد . اعتصاب در یک رشته صنعتی باعث تعطیل بسیاری از کارخانه ها میشود که تعطیل شدن کارخانه های دیگر ، الزاماً به قصد و نیت کارگران آن بستگی ندارد ، بلکه به بهم پیوستگی عملکرد کارخانه های مرده مطالعه مربوط میگردد . این امر بر ذهن کارگران اثر میگذارد ، آنها با تجربه عملی همبستگی منافع خود را در عرصه مبارزات طبقاتی بهتر میفهمند ، به قدرت جمعی خود واقف میگردد و به نقش خود در حیات اجتماعی بیشتر آگاه میشوند . این آگاهی نه معدودی کارگران پیشرو را ، بلکه جمیع کثیری از کارگران را در بر میگیرد . در نتیجه ، شرایط نمایی

رافتا و تکامل میبخشد : از نظر علمی تمرکز کار انجمنی در مؤسسه
تین و با اهمیت تر شدن رشته های صنعت ، و پوششگری در میان بخشی
از طبقه کارگر و کشاندن آنان به براتونک مستعمل خود ، باعث ضربه
خوردن بر بخش بزرگی از نظام اقتصادی و با اجتماعی سرمایه داری
میگردد و این زمینه را برای رشد هر چه بیشتر نفوذ کمونیستها
در محیط های دیگر کارگری که تاکنون با آنها ارتباط جدی برقرار
نبوده ، فراهم میسازد .

۶- مثلاً در صنعت بزرگی مانند صنایع فولاد اهواز ، که
قریب ۸۰۰ نفر کارمند و کارگر دارد ، ۶۵۰ عویه ، ۶۲۰ —
بختاری و ۶۲۰ بقیه از کردها و آبادانیها تشکیل میشوند .
۷- کمیته پائین جمعیت طبقه کارگر نسبت به دیگر طبقات
تشکیل دهنده "جوامع تحت سلطه" در نقش تاریخی و وظائف اساسی
او در انقلاب ضد امپریالیستی هیچگونه تغییر اساسی ایجاد نمی
کند . مثال مشخص و برجسته این امر ، انقلاب چین ویتنام
است : گرچه نسبت جمعیت طبقه کارگر ، به طبقات اقلیت
دیگر بسیار ناچین بود ، معذالک نقش رهبری طبقه کارگر ضروری
انکار ناپذیر بوده است :

۸- لیکن در مقاله "کارکاتوری از مارکس و دربار آنتونیوس"
امپریالیستی "در توضیح وجود آنتونیوس کارگری در جوامع
امپریالیستی و کشورهای تحت سلطه و خصوصیات هر کدام چنین

میباشد : " از نقطه نظر اقتصادی اختلاف در آنجاست که در کشورهای ستگربخشی از طبقه کارگر با استفاده از سود مافوقی که بورژوازی امپریالیستی این کشورها بدست میآورد ، موقعیت خاصی یافته و از شیوه زندگی بهتری برخوردارند ، که این خود باعث میشود که این قشر از طبقه کارگر کشورهای امپریالیستی همواره با بورژوازی خود مقعداً علیه ملتهای تحت ستم عمل نماید :

فائدههای اقتصادی نشان میدهد که از طبقه کارگر کشورهای ستگربخشی بزرگتری پیلا کشیده میشوند ، که منافع شان با منافع امپریالیسم گره خورده است ، تا از طبقه کارگر ملتهای تحت ستم . به عبارت دیگر درصد بیشتری از کارگران کشورهای امپریالیستی به اشرفیت کارگری ارتقا پیدا میکنند تا از کارگران کشورهای تحت ستم . و این از آنجا ناشی میشود که کارگران ملتهای ستگر تا حد معینی از استثمار بورژوازی خودی از کارگران و — توده مردم کشورهای تحت ستم سهم برده و مستفید از این منافع سود میبرند و بعنوان قشر رابط مابین بورژوازی امپریالیستی و کارگران کشورهای خودی خودی تبدیل میگرددند .

سپس در مورد موقعیت سیاسی آنها چنین میگوید : " که کارگران ملتهای ستگر در يك بخش وسیعی از زندگی سیاسی در مقابل کارگران کشورهای تحت ستم ، موقعیت برتری پیدا میکنند . " لازم بتوضیح است که ما در این مقاله از آریستوکراسی کار-

گسنهري بعنوان يك قشر سخن ميگويم : بديهي است كه در ميان اين بخش عناصرى يافت ميشوند كه وجدان و شرف پرولتري انسان ميتواند سر مشق كارگران انقلابى قرار گيرد ، عناصرى كه تمام هستى خود را نثار آرمانهاى پرولتاريا كوده اند .

۹. - در اينجا لازم است بنكته اى اشاره شود كه سازمانهاى نامبرده را نمیتوان منحصر^{۱۰} نمايندگان آريستوكراسى كارگرى دانست ، اينان علاوه بر آريستوكراسى كارگرى نماينده آن بخش از خرده بورژوازي مرفه نيز هستند كه در تغيير انقلابى وضع موجود نه تنها هيچگونه منافعى ندارند ، بلكه هرگونه تغيير انقلابى نظام موجود منافع آنان را با خطرات جدى مواجه ميسازد : آريستوكراسى كارگرى و اين بخش از خرده بورژوازي بخاطر جهان بولى و سطح درآمد و شهره زندگى شبا هت بسيارى بهم داشته و بهمين جهت نيز ايدئولوژى خود را در روزنويسم مدين و تشكّل خود را در سازمانهاى روزنويست موجود ميبابند :

۱. - " مسئله ارضى و دهقانان شهيدست در ايران^{۱۱} نوشته "

خسرو خسروى

۱۱. - اين نمونه از نشرته كار شماره ۵۰ نقل شده است .

۱۲. - البته بعدها (۲۸ / ۱۰ / ۶۱) ، شوراي نگهبان طرح

احياء و واكدارى اراضى مزبوعى را مغاير با شرع اسلام و قانون اساسى

اعلام كرد : (روزنامه جمهورى اسلامى ۲۹ ديهاء ۱۳۶۱) .

الفا اين طرح نه بخاطر اين بود كه منافع مالكين را بخطر مى...

انداخت و زهد با مطالعه طریح بخوبی در میابیم که یکسر در خدمت بزرگ مالکین قرار داشت ، اما از آنجائیکه از بعضی جنبه ها به حرم " مقدس " مالکیت خصوصی بی احتیاس می شد ، این طریح مفایر با شروع و تأسیس اساسی جمهوری اسلامی اعلام کردید .

۱۲- در مورد کومله گرچه شکلی فرق میکند ، اما ماهیت آن یکی است . کومه له که موجودیت سیاسی خود را بعنوان یک نیروی سیاسی شناخته شده اساساً با شرکت در جنبش مسلحانه خلق کرد بدست آورده است . طریح پیش از ۵ سال مبارزه مسلحانه در جنبش مزبور ، هنوز هم نتوانسته ضمن واقعی و اهداف و برنامه های این جنبش را برای توده ها تشریح نموده و وظایف آنی و آتی آنرا بدستی روشن سازد . بدیهی است که بهین اعتبار نتوانسته تاکنون نقش واقعی خود را بعنوان یک نیروی مدعی مارکسیسم - لنینیسم ایفا نماید .

در سال ۶۲ کومله با پیوستن به گروهای برنامه حزب کمونیست (که خود یکی از نیروهای اصلی آن بود) راهی را برگزید که اساساً با جنبش مسلحانه خلق کرد و بطور کلی با هر جنبش رها نیبخش ملی در تضاد است برخیزد همه جانبه با کومه له و بطور کلی با جریان " حزب کمونیست " نه از به بحث فعلی دارد که در این توضیحات نمیگنجد .

۱۳- تحولات انقلابی تمامی جوامع تحت سلطه امپریالیستی ، این حقیقت را بوضوح آشکار میسازد که توده های انقلابی در روند طولانی جنگ رها نیبخش ملی بر علیه سلطه امپریالیستی است که بتدریج بر مواضع

قدرت سیاسی دست می‌یابند ، و در حقیقت ماشین دولتی نه یکباره ، بلکه
به تدریج در هم شکسته و منحل میگردد .

چریان کسب تدریجی قدرت سیاسی با آزاد شدن مناطق تحت
اشغال دشمن معنی میدهد . در همین مناطق آزاد شده است که
پیشاهنگ پیروتری با اجرای برنامه های انقلابی ، اقتصاد نوین را
پایه ریزی کرده و به ترویج فرهنگ انقلابی میپردازد و علاوه بر
تمامی منافع و روابط امپریالیستی را منسوخ نماید . چنین منطقه ای را اینک
منطقه سرخ باید نامید ؟

منطقه سرخ آن مکان اجتماعی است که حکومت کارگران و دهقانان
انقلابی در آن مستقر شده و بنیادهای تکیه گاه اطمینان انقلاب و در
حقیقت نمونه ای از جامعه دموکراتیک نوین است ؟

انگیزه توده های زحمتکش منطقه برای حفظ دستاوردهای انقلابی و
فراهم نمودن زمینه های شکوفایی و تکامل آنها مرحله وسیعتر به هیچ
میگردند و از آنجا که شرط بقا این مناطق در گرو رهایی سراسر کشور
از قید سلطه امپریالیستی و درهم شکستن کل نظام اجتماعی حاکم
بر جامعه است ، با تثبیت سازمان سیاسی - نظامی خود ، به درهم
شکستن کل ارتش ضد خلق ، بنیادهای عامل اساسی اطمینان سلطه امپریال
یالیستی ، اقدام مینمایند و با گسترش جنبه انقلابی مناطق پیشروی را
آزاد نموده و تا زمانی که کامل پیش میروند .

در مناطق آزاد شده و مناطق سرخ ، وظایف متعددی در برابر

شاهنشاهی برولتاری قرار میگیرند که انجام آنها در تعمیق انقلاب
تاثیر بسزایی دارد و نیز در همین مناطق است که اشکال دیگر
پر تنوع مبارزه در مسئولی با اهداف انقلاب و نتایج مطلوب
سودمند خود را به بار میآورند .

توزیع جمعیت شاغل بر حسب نوع و رشته فعالیت در سالهای ۱۳۵۱ (بهزار نفر)

۱۳۵۱

انواع و رشته‌های تخصصی	خدمات	کشاورزی			صنعت			کل	
		خصوصی	دولتی	کل	خصوصی	دولتی	کل +		
—	۲۹۸	۵۱۵	۳۱	۵۴۶	۱۱۵۰	۱۸۳	۱۳۳۳	۲۱۷۷	کل
—	۲۵۱	۵۲	۱۵	۶۹	۷۵۱	۱۲۳	۸۷۴	۱۲۱۲	شهر
—	۲۷	۲۶۱	۱۶	۲۷۷	۳۹۹	۲۰	۴۱۹	۹۶۳	روستا

۱۳۵۵

انواع و رشته‌های تخصصی	خدمات	کشاورزی			صنعت			کل	
		خصوصی	دولتی	کل	خصوصی	دولتی	کل +		
—	۲۵۷	۶۲۵	۳۹	۶۶۳	۱۸۷۲	۳۱۶	۲۱۸۹	۳۱۱۰	کل
—	۲۰۷	۷۳	۱۸	۹۱	۹۹۵	۲۳۹	۱۲۳۴	۱۵۳۲	شهر
—	۵۰	۵۵۱	۲۱	۵۷۲	۸۷۸	۷۷	۹۵۵	۱۵۷۷	روستا

www.iran-archival.com

کتابخانه
سازمان دانشپژوهی و تحقیقات
معاونت پژوهش و فناوری
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
(اداره کتابخانه و اطلاعیه)

رفقا ، هموطنان مبارز!

چریکهای فدائی خلق ایران (ارتش
رهاشیمش خلقهای ایران) که برای گسترش
جنگ انقلابی بر علیه امپریالیسم و رژیم
وابسته جمهوری اسلامی به مبارزه خونین
خود ادامه میدهند ، در اوضاع بسیار بحرانی
کنونی برای پاسخگویی به وظایف انقلابی
خویش در قبال خلقهای تحت ستم جامعه ماس
بیش از پیش نیاز به کمکهای مالی شما
دارند.

کمکهای خود را (با کد) به نشانی
نشریه سیاهکل و یا بهر طریق که
میتوانید در اختیار سازمان قرار دهید.

سازمان دانشجویی ۱۹ بهمن در آمریکا
هوا دا چریکهای فدائی خلق ایران
(ارتش رهاشیمش خلقهای ایران)

سیاهکل

نشریه سازمان دانشجویی ۱۹ بهمن در آمریکا هوادار
چریکهای فدائی خلق ایران (ارتش رهاییبخش خلقهای ایران)

برای حمایت مادی و معنوی خود بآدرس زیر با ما تماس بگیرید:

STIAHKAL

P.O. BOX 18416

HOUSTON, TX 77223

سیاهکل

پیش‌نویس تشکیل ارتش خلق و ایجاد مناطق سرخ

از انتشارات :

چریک‌های فدائی خلق ایران (ارتش رهاش بخش خلق‌های ایران)